ماندگار

روزنامۀ صبح افغانستان

چاپ همزمان: کابل – هرات

پخش همزمان:
بلخ
پروان
پنجشیر
میدان وردگ
و کاپیسا

دیل کارنگی

هر چیز را پیش از وقوع، دیدن و عاقبت‌اندیش شدن، کار خوبی است؛ اما برای مشکلات احتمالی آینده، از امروز اندوهگین شدن، شایسته نیست.

www.mandegardaily.com

سال پنجم ❁ شمارۀ یکهزار دو صدو بیست وسوم ❁ چهار شنبه ۲ دلو/بهمن ۱۳۹۲ ❁ ۲۰ ربیع الاول ۱۴۳۵ ❁ ۲۲ جنوری ۲۰۱۴

استقبال از اجندای ملی؛

گامی بزرگ به سوی تشکیل دولت وحدت ملی

صفحه ۶

بررسی کارکردهای یک‌سالۀ شورای ملی نماینده گان:

«انتظارات مردم را برآورده نتوانستیم»

هارون مجیدی

نماینده‌گان شورای ملی، کارکردهای یک سال گذشتۀ خویش را نقد کرده و گفته‌اند که انتظارات مردم را به‌دلایل مشخصی برآورده نتوانسته‌اند.

شماری از نماینده‌گان و سناتوران هم‌چنان می‌گویند، دولت همیشه در تلاش مداخله در تصمیم‌گیری‌های پارلمان بوده و کوشیده خواست‌های خویش را بر نماینده‌گان مردم تحمیل کند.

برخی نماینده‌گان مدعی هستند که اعضای مجلس بیش از آن‌که به‌مسوولیت‌های قانونی‌شان بپردازند، مصروف زدوبندهای...

ادامه صفحه ۷

رییس شورای ولایتی پروان:

واضح است کی‌ها از طالبان حمایت می‌کنند

ناجیه نوری

ولی عبدالستار خواصی، نماینده ولایت پروان در مجلس که ریاست هیأت اعزامی حکومت به ولایت پروان را جهت بررسی حملۀ هوایی نیروهای خارجی بر ولسوالی سیاه‌گرد بر عهده داشت، گفته...

ادامه صفحه ٦

پروان تنها ولایتی است که گروه طالبان و حزب اسلامی حکمتیار در آن به‌گونۀ هم‌آهنگ و مشترک دست به فعالیت‌های تروریستی می‌زنند.

رییس شورای ولایت پروان با بیان این مطلب می‌گوید، طالبان پس از کنر در ولسوالی‌های سیاه‌گرد، شینواری و کوه‌صافی ولایت پروان به صورت منظم فعالیت دارند و دارای قاضی، محاکم و پایگاه‌های نظامی بسیار محکمی هستند.

او ضمن نادرست خواندن گزارش هیأت اعزامی حکومت به ولایت پروان برای بررسی حملۀ هوایی نیروهای خارجی تأکید کرد، بررسی‌های هیأت اعزامی به ولایت پروان، کاملاً جانبدارانه و نادرست بوده است.

حامد کرزی:

حکومت باید زیرِ شعاع رسانه‌ها قرار داشته باشد

رییس‌جمهور کرزی می‌گوید این کشور در ده سال گذشته «دست‌آورد عظیمی» در عرصۀ آزادی رسانه‌ها، مطبوعات و آزادی‌های فکر و بیان داشته است و حکومت آینده نیز مجبور است به این آزادی‌ها تن دهد.

اما نهادهای خبرنگاری می‌گویند با وجودی که صدها تلویزیون، رادیو، روزنامه و سایر نشریه‌های چاپی آزادانه در افغانستان فعالیت می‌کنند اما چالش‌های بسیار زیادی در برابر آزادی بیان وجود دارد.

رییس جمهور کرزی روز سه شنبه اول دلو ۱۳۹۲ در محفل افتتاح مرکز رسانه‌یی بیات در کابل گفت: «یک پیشرفت عظیمی است و ترقی بزرگی است که خود ما مردم افغانستان تهداب آن را گذاشته‌ایم. مطمیناً که آزادی‌های مطبوعات، آزادی تلویزیون‌ها و آزادی ژورنالیزم افغانستان مثل گذشته به پیش می‌رود و حکومت آینده نیز به همین راه می رود و باید برود. از این راه، دیگر برگشت نیست.»

حامد کرزی تاکید کرد که از آزادی بیان باید به خیر مردم افغانستان و در دفاع از کشور و ترقی آن و همچنان در دفاع از مظلومیت مردم کشور و تقویت وحدت ملی استفاده صورت گیرد.

رییس جمهور نقش و اهمیت رسانه‌ها را در جامعه مهم دانسته، گفت که حکومت همیشه باید زیر شعاع انتقاد رسانه‌ها قرار داشته باشد در غیر...

ادامه صفحه ٦

تحلیلگران برجستۀ امور افغانستان:

کرزی یک رهبر ضعیف است

برخی تحلیلگران برجستۀ امور افغانستان معتقدند که حامد کرزی رهبری ضعیف بوده و افغانستان تحت ریاست‌جمهوری وی آسیب‌های فراوانی دیده است.

به گزارش شبکۀ خبری صدای روسیه، نصیر شنساب، مولف دو کتاب در رابطه با افغانستان و دیوید ایسبی، یکی از ناظران کهنه کار افغانستان و جنگ‌های این کشور در رابطه با روابط میان واشنگتن و کابل گفتند: اگر توافق نامه امنیتی دو جانبه‌یی میان واشنگتن و کابل امضا نشود وضعیت امنیتی افغانستان به سرعت وخیم می‌شود و طالبان آزادانه مجدداً پایگاهی را در این کشور برای خود به وجود می‌آورد.

شنساب می‌گوید: حامد کرزی، رییس جمهوری افغانستان رهبری ضعیف بوده و این کشور تحت ریاست جمهوری او آسیب‌های فراوانی دیده است.

در برگ ها

هدیه‌یی به قربانیان حزب‌التحریر! ۲

آزادی در قلمروِ انسانی و یک تناقضِ دردناک ۴

اسپوتنیک زده‌گی ۵

فدرالیسم راه حل خاورمیانه است؟ ۷

سخن ماندگار

بازی خطرناکِ حکومت با کارتِ طالبان

در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ هر کسی که در افغانستان زنده‌گی می‌کرد، به احتمال قوی پیش‌بینی‌اش این بود که پدیده‌یی به‌نام طالب، تا چند سالِ دیگر ریشه‌کن می‌گردد و به‌زودی نامی از این گروهِ متحجر و واپس‌گرا در جایی دیده نخواهد شد. اما این پیش‌بینی درست از آب بیرون نیامد و طالبان نه تنها از صفحهٔ روزگار حذف نشدند، بلکه با قوتِ بیشتر به پیکارهای جنایت‌بارشان ادامه دادند.

به گواهی شواهد و اسناد، این تجدید قوا دلایل گوناگون دارد و از کابل تا واشنگتن دامنهٔ این دلایل کشیده شده است. کاخ سفید، پنتاگون، سازمان استخباراتی انگلیس، آی.اس.آی، عربستان، ریاست‌جمهوری افغانستان و ده‌ها نهاد استخباراتی کشورهای همسایه و جهان هر کدام به نوبهٔ خود بر بنیاد منافع خودشان، از طالبان حمایت و آن‌ها را دوباره سازمان‌دهی کردند. اما در این میان، نقش حکومت افغانستان و سیاست‌های شخص آقای کرزی در قبال طالبان، جالب‌تر است؛ نقشی که بیش از همه در تجدید قوای طالبان و رسمیت‌بخشی به آن گروه موثر تمام شده است.

سیاستِ مصالحه با طالبان، یکی از این نقش‌ها بود که آقای کرزی با روی دست گرفتن آن، به یک جریان مضمحل‌شده رسمیت بخشید. به دنبال آن، بحث‌های قومی ـ از جمله این‌که طالبان ناراضیانِ یکی از اقوام بزرگِ کشور اند ـ قوت گرفت و آرام‌آرام باعث شد که نه تنها با این گروه مبارزهٔ جدی صورت نگیرد، بل در راستای بخشایش و قباحت‌زدایی از اعمال‌شان نیز اقدام شود. در پی این‌گونه سیاست، شمار زیادی از زندانیان طالب رها شدند و شمار زیادی از انتحاریانِ معلوم‌الحال بخشیده شدند.

یکی از حوادث اخیر که می‌توان آن را در بسترِ چنین سیاستی تعریف کرد، مسالهٔ بمباردمان سیاه‌گرد غوربندَ است که چند روز قبل از سوی هواپیماهای ایالات متحده صورت گرفت. نکتهٔ مهم در این بحث، مسالهٔ قوت گرفتن طالبان در آن منطقه است. این‌که چه‌گونه در یک منطقهٔ تقریباً امن، گروهی از طالبان فعالیت‌های تروریستی دارند و در طول دو سال اخیر با آن‌که چندین بار از این ناحیه سروصدای رسانه‌ها و مردم بلند شده است، ولی مسوولان هیچ پاسخی ارایه نکرده‌اند؛ همه جای سوال و بررسی دارد. اما وقتی که عملی هم صورت گرفت، اعتراض حکومت و برخی از نماینده‌گان آن منطقه بلند شد.

گزارشی را که هیأت اعزامی مجلس نماینده‌گان منتشر کرده، حاکی از آن است که حدود ۱۲ خانه، ویران و چندین زن و کودک در جریان پاک‌سازی ناتو در منطقهٔ سیاه‌گرد کشته شده‌اند. اما در عین حال، سخنان والی این ولایت و گزارش ناتو و سایر نهادهای مستقل نشان می‌دهند که ارقام ارایه‌شده از سوی هیأت اعزامی حکومت، درست نیست. بر بنیاد این گزارش تنها یک خانه ویران شده و احتمالاً دو نفر یا چهار نفر از غیرنظامیان ـ که آن‌هم در محل اقامت طالبان به‌سر می‌بردند ـ زخمی و یا کشته شده‌اند.

در ترکیب هیأت اعزامی حکومت، چهره‌ها و افراد معلوم‌الحالی وجود داشته؛ اما گزارش این هیأت به شدت از جانب مقام های محلی و برخی نماینده‌گان مجلس تکذیب شده است. یکی از این چهره‌ها یک عضو مجلس است که بارها موضع‌گیری‌های آشکاری به سود طالبان داشته است. چنین شخصی، وقتی گزارش قضیهٔ غوربند را تهیه می‌کند، نتیجه‌اش آشکار است. اشخاص و افراد نظیر این نماینده مجلس در نظام کنونی کم نبوده‌اند که به‌وضاحت از طالبان حمایت کرده‌اند و بر جنایت‌های آن گروه پرده انداخته‌اند؛ اما هرگز مورد بازخواست قرار نگرفته‌اند. مشکل دیگر این است که نماینده گان مردم پروان و مسوولان این ولایت به درستی میدانند که کدام چهره ها از طالبان و آدم کشان در این ولایت حمایت می کنند؛ اما هیچ گاه آن فرد و افراد را افشا نمی کنند و به قرینه ها توسل می جویند.

محتمل است که پای پیمان امنیتی در هیاهوی قضیه ولسوالی سیاه گرد ولایت پروان در میان است؛ چون ماجرای حمله به طالبان در این منطقه به‌راحتی می‌تواند ناتو و امریکایی‌ها را متهم کند و به نحوی اهرم فشاری شود بر ایالات متحده. در هر صورت، بازی با خطرناک‌ترین پدیده (طالبان) به هدف تأمین منافع شخصی و گروهی، یکی از کارهای اصلی آقای کرزی و تیم او بوده است. همین‌گونه بازی‌ها بود که امروز در آستانهٔ خروجِ نیروهای خارجی، ما با بزرگ‌ترین چالش‌ها روبه‌رو هستیم. این‌که ادامهٔ چنین بازی‌هایی آقای کرزی را به اهداف شخصی‌اش نایل می‌سازد یا نه، معلوم نیست؛ اما به‌یقین تبعات بدِ چنین بازی‌هایی دامن‌گیر همهٔ کشور خواهد شد، چنان‌که از هم‌اکنون نشانه‌های آن قابل رویت است.

هدیه‌یی به قربانیان حزب تحریر!

توحیـد ابرار ـ عضو بنیاد اسلامی المدثر

آقای لشکری در تصویر فوق در میان چهار تن دیگر ایستاده و شهادت‌نامه‌یی را که در یکی از برنامه‌های امنیتی به‌دست آورده، نشان می‌دهد. این تصویر در ۹ جون ۲۰۱۰ گرفته شده است.

خدا گر پرده بردارد ز روی کار آدم‌ها
چه شادی‌ها خورد برهم چه بازی‌ها شود رسوا
چه کاذب‌ها شود صادق، چه صادق‌ها شود کاذب
چه عابدها شود فاسق، چه فاسق‌ها شود ملا!

با فروریزی ادارهٔ طالبان و سرازیر شدنِ ده‌ها هزار نفر از نیروهای نظامی کشورهای غربی، افکار و اندیشه‌های تازه‌یی نیز وارد افغانستان گردید که برخی از آن‌ها مفید ولی شمارِ دیگرش هم حیثیتِ زهرکشنده را برای مردمِ ما داشته و دارد؛ در چنین وضعیتی ما شاهدَ ترویج و تبلیغِ حزبی به‌نام «حزب‌التحریر» بوده‌ایم. هدفَ از این مقاله پرداختن به معرفیِ این حزب نیست، هرچند در صورتِ نیاز این کار را خواهیم کرد- بلکه هدف این مقاله، معرفی فردی‌ست که گفته می‌شود حزب‌التحریر را وارد کشور ما کرده است.

-این فرد امین‌الله لشکری نام دارد که اسم پدرش عبدالله و اسم جدش عبدالرحمن می‌باشد. خودش می‌گوید که در سال ۱۹۷۸ میلادی در بدخشان به دنیا آمده است. او درس‌هایش را تا سطح کالج (دبیرستان) در پاکستان به پیش برده است.

-این فرد روابط نزدیکی با برخی حلقات پاکستانی و انگلیسی دارد؛ چنان‌که وی مدتی در دفتر رادیوی بی بی سی در کابل کار کرده است.

اما مهم‌ترین بخش زنده‌گی آقای امین‌الله لشکری مربوط می‌شود به فعالیت‌های ایشان در شورای امنیت ملی حکومت آقای کرزی. این‌که تحریری‌ها چه‌گونه می‌توانند هم ادعای حکومت‌ستیزی و استعمارستیزی کنند و هم در حساس‌ترین نهاد امنیتی وظیفه اجرا کنند، پرسشی‌ست که باید به دنبال پاسخش گشت. پاسخِ این پرسش را در این سخن امرالله صالح رییسِ پیشین امنیت ملی می‌توان یافت:

«در ساختن دفتر مشاوریت امنیت ملی افغانستان، دولت انگلستان نقش مستقیم داشت. مشاوران انگلیسی از سازمان «ام آی شش» برای نزدیک به شش یا هفت سال در این نهاد کار می‌کردند.» نگاه: روزنامهٔ ۸ صبح، شمارهٔ چهارشنبه ۲ اسد ۱۳۹۲، مقاله‌یی از امرالله صالح(لینک مقالهٔ آقای صالح در روزنامهٔ هشت صبح: **http://8am.af/masoud-karzai-money-behind-the-scenes-of-afghanistans-leadership-conflict/**)

آقای لشکری یکی از عناصر فعال امنیتی ادارهٔ آقای کرزی به‌حساب می‌آید که در پهلوی سایر فعالیت‌هایش، در کنفرانس‌های امنیتی غربی‌ها اشتراک کرده و دست به نگارش مقالات امنیتی در نشرات دفاعی و امنیتی اروپا یازیده‌است.

آقای امین‌الله لشکری در پهلوی ادعای تأسیس خلافت اسلامی و حتا هجوم بر رهبران جریان‌های اصیل اسلامی و متفکران مسلمان، با مجلهٔ وزارت دفاع جمهوری سلوواکیا هم همکاری داشته است. قابل یادآوری است که سلواکیا یکی از آن جمهوریت‌های عضو ناتو می‌باشد که در افغانستان نیز نیرو داشته که نیروهایش در چهارچوب آیساف فعالیت دارند. امین‌الله لشکری در شمارهٔ سپتمبر ۲۰۰۸ میلادی آن مجله، مقاله‌یی را نگاشته‌اند که در صفحهٔ ۲۱۷ این مجله زیر عنوان «نقش مدارس در تقویت تروریسم و افراطی‌گری» در ۱٤ صفحه به نشر رسیده است. مجلهٔ مذکور در ذیل عنوانِ مذکور نوشته است:

بله، نویسندهٔ مقالهٔ مذکور، امین‌الله لشکری عضو «شورای امنیت ملی افغانستان» می‌باشد. البته این مقاله دارای اشتباهات فراوانی‌ست که نمی‌شود در این‌جا به آن پرداخت؛ ولی همین‌قدر می‌توان گفت که با ذهنیت و سایکالوجی یک عنصر استخباراتی نگاشته شده‌است.

حزب‌التحریر خیلی از دموکراسی می‌نالد و آن را به صورت مطلق و بدون هیچ ملاحظه و قیدی تکفیر می‌کند و در این راه تا هجوم بر علامه قرضاوی پیش رفته‌اند؛ ولی حالا ببینید که آقای لشکری که گفته می‌شود بانی حزب التحریر ولایت افغانستان است، در پایان مقالهٔ خویش چه می‌نویسد؟! او می‌نویسد:

ترجمه: «دولت افغانستان از مزایای دموکراسی که توسط دولت‌های غربی ترویج و اشاعه می‌گردد، آگاهی خوب دارد. به همین دلیل دولت افغانستان در مقابله با نیروهای تاریک‌اندیش ثابت بوده؛ تا آن‌که پیروزی روشن‌گری و رفاه را تضمین کرده باشد.»

خواننده‌گان محترم می‌توانند متن انگلیسی مقالهٔ عضو ارشد حزب‌التحریر ولایت افغانستان! را در صفحهٔ ۲۱۷ این مجله در لینک ذیل مطالعه کنند:

http://www.slovenskavojska.si/fileadmin/slovenska_vojska/pdf/bilten_sv/bilten_sv٠٨_٣_١٠.pdf

آقای لشکری عضو فعال حلقات امنیتی غربی بوده‌است که اشتراک‌شان در کنفرانس‌ها و مناسبت‌های امنیتی، دلیل این مدعاست؛ یکی از این مناسبت‌ها اشتراکَ این فرد در کورس امنیتی **Geneva Center for Security Policy** و یا GCSP (مرکز سیاست‌های امنیتی جنیوا) می‌باشد.

تفاصیل این خبر را در لینک ذیل می‌توان مشاهده نمود:

http://www.gcsp.ch/Leadership-in-Conflict-Management/Training-Courses/٢٤th-

International-Training-Course-in-Security-Policy-ITC-٩-June-٢٠١٠-ITC/Graduation-Ceremony

آقای امین‌الله لشکری که در افغانستان جوانان را تخدیر کرده و شعارهای آتشین ضد دموکراسی می‌دهد، در کنفرانس امنیتی جنیوا سخنرانی‌یی داشته است که به تاریخ دهم مارچ ۲۰۱۰ ایراد گردیده و عنوان آن: «نقش امریکا در اشاعهٔ دموکراسی» بوده که محتوای آن مقاله روحیهٔ کاملاً دمکراسی‌پسندانه داشته است.

می‌گویند که مسوول حزب‌التحریر ولایت لبنان از سفارت انگلستان بیرون می‌شد و در دستش بکسی از پول بود. پرسیدند این چیست؟ پاسخ داد: این «فئ» می باشد و فئ به مال غنیمتی که بدون جنگ از کفار به‌دست آید گفته می‌شود.

در پایان این مطلب باید گفت که آقای امین‌الله لشکری و یا هر فرد دیگری می‌تواند باور و عقیده و راه و روش دل‌خواه خود را داشته باشد و هر کس می‌تواند هر ایدیولوژی و حزبی را که به آن علاقه دارد، به آن بپیوندد و آن راه و روش را تبلیغ کند؛ ولی چیزی را که آقای امین‌الله حق ندارد انجام دهد این است که جوانان مظلوم و معصوم ما را فریب داده و در شبکه‌های استخباراتی زَیر نام اسلام بسیج کند.

سازمان‌های امنیتی سوغاتی را وارد کشور ما کردند که آتشین‌ترین شعار را بر لب دارد و از خلافت و دولت جهانی اسلام و برداشتنِ مرزها حرف می‌زند و می‌تواند با این شعارهای خیلی بلندبالا و پرطمطراق، هر ادعای اسلام‌گرایی دیگر را تحت‌الشعاع قرار دهد و هر شخصیت اسلامی دیگر را با چوب نقد و نکوهش بکوبد. اما جالب این است که مهره‌های فعال این گروه، نقاب بر رخ دارند و نمی‌خواهند این نقاب را از چهره براندازند؛ امری که ما را مجبور کرد نقاب از چهرهٔ فری که گفته می‌شود بنیان‌گذار آن در افغانستان است برداریم و در صورت ضرورت، می‌توان تفاصیل بیشتری را به نشر سپرد تا جوانان خوش‌قلب و پاک‌طینتی که در دام این جریان افتاده‌اند، از حقیقتِ آن آگاه شوند.

به هر صورت؛

حافظ وظیفهٔ تو دعا گفتن است و بس
در بند آن مباش که کس شنید یا نشنید.

اولاند:

دیگر بانوی اول در الیزه نمی‌خواهم

علی‌رغم تمایل شریک زنده‌گی رییس جمهور فرانسه به ادامه رابطه با او، فرانسوا اولاند دیگر نمی‌خواهد بانوی اول در الیزه داشته باشد.

به نوشته روزنامه دیلی تلگراف، اگرچه مشاوران فرانسوا اولاند، رییس‌جمهوری فرانسه معتقدند که بهتر است وی در ادامه ریاست جمهوری خود، مجرد باقی بماند با این حال اظهارات خود او واضح‌ترین نشانه طرح‌هایش است.

اولاند ۵۹ ساله تاکنون هیچ اظهار نظر رسمی در خصوص رابطه خود با ژولی گیه ۴۱ ساله که از ۱۰ روز پیش فاش شده، نکرده است.

وی متعهد شده است تا پیش از سفر ۱۱ فبروری خود به کاخ سفید، این موضع را روشن کند. اما گفته می‌شود که اولاند در گفتگو با یک روزنامه‌نگار در کاخ الیزه مدعی شده است که دیگر نمی‌خواهد بانوی اول داشته باشد.

گزارش‌ها از تمایل اولاند به مجرد باقی ماندن پس از این بالا گرفت که والری تریرویلر، شریک زندگی‌اش به تنهایی به هلند سفر کرد. وی پس از انتشار خبر رابطه همسرش با یک بازیگر توسط مجله کلوزر، چندین قرص مصرف کرده که باعث شد در بیمارستان بستری شود.

یکی از مشاوران اولاند در این خصوص گفت: اگر قرار است این دو از هم جدا شوند، باید این اقدام در شان و برازنده تریرویلر برگزار شود.

اولاند هفته گذشته در یک کنفرانس مطبوعاتی در کاخ الیزه اذعان کرده بود که زندگی شخصی‌اش با مشکلات زیادی روبرو است.

این در حالی است که گفته می‌شود تریرویلر خواهان ادامه رابطه خود با اولاند است اما اولاند به دنبال رویه قانونی برای پایان دادن به این رابطه است.

تمامی اعضای حزب حاکم ترکیه در آدانا استعفا دادند

به دنبال اعلام نامزدهای شهرداری در استان آدانا، رییس هیات دولت ترکیه در این استان استعفا داد و در اعتراض به این موضوع تمامی اعضای حزب حاکم عدالت و توسعه در هیات دولت استان آدانا نیز استعفا دادند.

به نوشته روزنامه تودی زمان، پس از آنکه نامزدهای شهرداری مناطق استان آدانا در مقرهای حزب حاکم عدالت و توسعه اعلام شدند، ضیاءالدین یاغچی، رئیس هیات دولت این استان به دلیل آنکه برای تعیین این نامزدها با وی مشورت نشده بود، استعفا داد. به دنبال استعفای وی، تمامی اعضای هیات دولت استان آدانا نیز استعفاهای خود را ارائه دادند.

یاغچی جایگزین فاطما گل، رئیس دادرسی‌های سیاسی و قانونی و اسماعیل بیلن به عنوان هماهنگ کننده آدانا برگزیده شد.

بیلن گفت، تمامی اعضای هیات تحت رهبری یاغچی در نشستی استعفاهای خود را اعلام کردند. درخواست استعفای این ۵۰ تن به پایگاه‌های حزب حاکم فرستاده شد.

همزمان با آغاز رایزنی‌ها درباره اینکه چه کسی جایگزین یاغچی شود، اسامی چون فکرت دینی، فاروق بزکورت، حسن آیدین، سیتکی چنگیل و فاروق آتیک مطرح شد. بر اساس آیین نامه داخلی، رئیس تازه منصوب شده استان آدانا گروه خود را در یک کنگره فوق العاده تاسیس خواهد کرد و تا مه سال ۲۰۱۵ میلادی زمام امور را در دست خواهد داشت.

این در حالی است که متین دوغان، رییس هیات دولت استان قهرمان ماراش از حزب حاکم عدالت و توسعه که به تازگی جایگزین فاتح محمت ارکوچ شده، گفت، ارکوچ به منظور شرکت در انتخابات محلی شهرداری استعفا داده و به دنبال آن تعدادی از اعضای هیات دولت این استان نیز درخواست استعفای خود را ارائه دادند.

وی افزود: اخبار مبنی بر اینکه کل هیات دولت استعفا کرده‌اند و این ادعا که این اقدام در نتیجه یک اعتراض یا یک واکنش بوده به هیچ وجه صحت ندارد. بر اساس قوانین این حزب، تغییری در ریاست دولت باعث می‌شود تا دیگر اعضای هیات نیز تغییر کنند. بنابراین از آنجایی که ارکوچ سمت خود را ترک کرد، گروهش به دلیل ایجاد یک ساختار جدید مطابق با این آیین نامه محلی استعفا دادند.

فتح‌الله گولن:

حزب عدالت و توسعه از مسیر صحیح خارج شده است

فتح الله گولن، اسلام‌گرای مخالف دولت ترکیه ضمن ابراز نارضایتی از سیاست‌های حزب حاکم عدالت و توسعه، تاکید کرد که ملت ترکیه نگران پس رفت دموکراسی در کشورشان هستند.

فتح الله گولن، اسلام‌گرای سرشناس مخالف دولت ترکیه، که در آمریکا به سر می‌برد در مصاحبه با روزنامه وال استریت ژورنال از رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه انتقاد کرد و عنوان داشت: مردم ترکیه نگرانند که پیشرفت دموکراتیک کشورشان در دو سال اخیر، مسیری برعکس را پیموده باشد.

وی همچنین گفت که حزب عدالت و توسعه ترکیه مسیر و آرمان‌های خود را تغییر داده است.

گولن که رهبر جنبش هیزمت (خدمت) ترکیه است عنوان داشت: حامیان جنبش هیزمت نیز همچون سایر شهروندان ترکیه براساس ارزش‌هایشان و نیز ارزش‌های نامزدهای انتخاباتی در انتخاب شرکت می‌کنند.

هرچند که گولن در این زمینه به حزب خاصی اشاره نکرد اما احتمال اینکه حامیانش از حزب اپوزیسیون مردم جمهوری خواه حمایت کنند را رد نکرد.

وی گفت: اینکه موضع و اقدامات بازیگران سیاسی ترکیه با سابقه و عملکرد آن‌ها مطابقت دارد یا خیر باید توسط مردم ترکیه مشخص شود.

حزب عدالت و ترکیه بارها جنش گولن را به دسیسه چینی و ترتیب دادن تحقیقات فساد با هدف سرنگونی دولت متهم کرده است. البته این تنها واکنش آن‌ها نبوده و در عمل نیز به سرکوب گسترده پلیس و دستگاه قضایی ترکیه پرداختند.

گولن در این خصوص گفت: سرکوب براساس ایدئولوژی عملی است که به تاریخ پیوسته و حزب حاکم به عدم تکرار آن متعهد شده بود.

گولن پیش از این نیز در نامه‌یی به عبدالله گل، رییس جمهوری ترکیه، در این خصوص ابراز نارضایتی کرده بود.

وی به این نکته اشاره کرد که همین نیروهای پلیس و دستگاه قضایی که از کار برکنار شده‌اند در زمان تحقیقات در خصوص پرونده‌های کودتا، از سوی دولت ستوده شدند و اکنون اخراج و سرکوب آن‌ها مضحک است.

فدرالیسم راه حل خاورمیانه است؟

بنی آونی- نیوزویک

سه سال از آغاز بهار عربی می‌گذرد اما همچنان این پرسش جنجالی مطرح است که چه کسی در طول این مدت خاورمیانه را از دست داد؟

با ضعیف شدن دولت‌های عرب، کشورها در حال فروپاشی‌اند، مرزهای قدیمی از بین رفته و افراطیون فرقه‌ای به مبارزه با یکدیگر ایستاده‌اند.

در چنین شرایطی این سوال مطرح است که آیا تمایل امریکا به عدم دخالت در این موضوعات ادامه خواهد داشت؟

منتقدان باراک اوباما، رییس جمهوری امریکا او را به بی‌توجهی به منطقه‌ای متهم می‌کنند که صرف نظر از اذهان عمومی، همچنان منافع زیادی برای امریکا دارد. پایان دادن به جنگ عراق بدون امضای قراردادی با بغداد برای باقی گذاشتن بخشی از نیروهای امریکا در این کشور و فاصله گرفتن از جنگ داخلی سوریه، کشورهای خاورمیانه را متقاعد کرده است که امریکا یا دیگر به این منطقه علاقه‌ای ندارد و یا قدرت تاثیرگذاری بر آن را از دست داده است.

امریکا می‌توانست با کمی سرمایه‌گذاری، به شکل دهی منطقه کمک کند. در واقع پادزهر فروپاشی کشورهایی که دیگر در خاورمیانه توسط دیکتاتورها هدایت نمی‌شوند و جناح‌های قبیله‌ای در آن‌ها با یکدیگر مبارزه می‌کنند، تشکیل یک سیستم نسبتا فدرال است.

جمال بن عمر، فرستاده ویژه سازمان ملل به یمن در این خصوص گفت: مدل دولت مرکزی دیگر شکست خورده است و به یک نمونه دیگر نیاز داریم که در آن قدرت از مرکز به جوامع محلی محول گردد تا آن‌ها دولت‌های محلی تشکیل دهند.

اما آیا واشنگتن علاقه‌یی به هدایت کشورهای منطقه به سوی آینده‌ای تمرکززدا را دارد؟

اوباما کاملا خود را نسبت به هر اقدامی برای شکل دادن ساختار جدید خاورمیانه بی‌میل نشان داده است.

مایکل دوران، عضو موسسه بروکینگز و کارمند سابق شورای امنیت ملی امریکا در دولت جورج دبلیو بوش، رییس جمهوری سابق این کشور در این خصوص گفت: اینگونه بی‌میلی‌های امریکا، به خلا قدرت در خاورمیانه منجر شده است و بیشترین خلا نیز در سوریه احساس می‌شود.

غیبت امریکا در خاورمیانه و خلا حاصل از انفعالش، موجودیت کشورهای این منطقه را که مرزهای تعیین شده توسط کشورهای استعمارگر اروپایی در پایان جنگ جهانی اول آن‌ها را از یکدیگر جدا کرده است، به خطر می‌اندازد.

توافق سایکس پیکو که توسط مارک سایکس، دیپلمات انگلیسی و همتای فرانسوی‌اش، فرانسوا جورج پیکو در سال ۱۹۱۶ حاصل شده و مرزها را تعیین کرد، در حال نابودی است.

آماتزیا بارام، مدیر بخش مطالعات عراق دانشگاه حیفا اسراییل در این باره می‌گوید: کشورهای فعلی به طور صد درصد ساخته دست کشورهای امپریالیست نیستند و مرزهای فعلی براساس نهادهایی است که در دوران ظهور اسلام در خاورمیانه وجود داشته و برای مثال به این دلیل که سنی‌ها و شیعه‌های عراق، قرن‌ها در یک کشور یکپارچه با بوروکراسی، موسسات و فرهنگی مشخص زندگی کرده‌اند، اکنون ابتدا عراقی محسوب می‌شوند.

وی اذعان داشت که سوریه در هم شکسته است، لبنان در خطر فروپاشی قرار دارد و آینده کشورهایی همچون یمن، بحرین و عراق به عنوان ملت‌هایی متحد، در خطر است.

بارام ادامه داد که اکنون کاری که باید با رهبری امریکا صورت بگیرد، بازگرداندن ثبات به این کشورها است.

امریکا به مدت هشت سال، جنگی تمام عیار را در عراق پشت سر گذاشت و بر القاعده پیروز شد اما اکنون دوباره عراق در آتش جنگ می‌سوزد. اخیراً یک گروه مرتبط با القاعده موسوم به دولت اسلامی عراق و شام، شهر فلوجه و بخشی از الرمادی در ولایت الانبار عراق را تصرف کرد. نام این گروه، نشان دهنده هدف آن است: متحد کردن کشورهای عربی زیر پرچم اسلام!

در این بین، هفته گذشته کردستان عراق ارسال نفت را از طریق خط لوله‌ای که به بندر جیحان ترکیه منتهی شده و روزانه دو میلیون بشکه از آن به بازار اروپا وارد می‌شود، آغاز کرد. دولت نوری المالکی، نخست وزیر عراق، در مذاکرات کردها و آنکارا در این باره نقشی نداشت و از این اقدام خشمگین شده است.

مقامات واشنگتن معتقدند که درگیری‌های فعلی عراق با شکست کاخ سفید در حفظ بخشی از نیروهای امریکایی در این کشور مرتبط نیست.

در همین راستا ماری هارف، سخنگوی وزارت خارجه امریکا هفته گذشته به خبرنگاران گفت: حتی وقتی ما ۱۶۰ هزار نیرو در عراق داشتیم باز هم نمی‌توانستیم تنش‌های فرقه‌ای را خنثی کنیم. در آن زمان نیز مرز عراق با سوریه پرتنش بود. اکنون تصور کنید که ما گروه کوچکی از نیروهایمان را در عراق داشتیم که قابلیت و دسترسی کمی هم داشتند. برای چه چیزی؟ ۱۰ سال؟ ۲۰ سال؟ ۳۰ سال؟ کی پایان می‌یابد؟ این یک راه حل دراز مدت نیست.

دولت اوباما همچنین با یک راه حل امریکایی برای پایان دادن به قتل عام در سوریه، به ویژه حمله زمینی به این کشور مخالفت کرده است. سوریه اکنون حداقل به سه قسمت تقسیم شده است. نواحی ساحلی که همچنان تحت کنترل علوی‌های دولت قرار دارد، شمال و شرق این کشور که جایگاه گروه‌های مختلف سنی است که با یکدیگر نیز در حال مبارزه‌اند و بخش‌هایی نیز تحت کنترل کردهاست. درگیری‌های سوریه علاوه بر عراق به لبنان نیز وارد شده‌اند. لبنان خود نمونه‌ای از همزیستی غیر مسالمت آمیز سنی‌ها با شیعه‌ها و دروزها و اقلیت مسیحی است. این کشور نیز در حال بازگشت به جنگ داخلی است.

علی رغم اینکه طرف‌های درگیر در سوریه در تاریخ ۲۲ جنوری در کنفرانس ژنو ۲ در سویس شرکت می‌کنند، اما امیدها به پایان فوری این ناآرامی‌ها کمرنگ است.

سازمان ملل نیز هفته گذشته اعلام کرد که شمارش تلفات درگیری‌های سوریه را متوقف می‌کند. این میزان در حال حاضر بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر است.

«دوران» در این خصوص گفت: سیاست امریکا باید ایجاد نیرویی سوم در سوریه باشد. این نیرو باید توانایی مقابله با بشار اسد و حامیانش و همچنین القاعده را داشته باشد. به این ترتیب امریکا ثابت خواهد کرد که در موضوع سوریه دست بالا را دارد.

اگر مبنا بر این است که سوریه در نهایت به یک متحد امریکا تبدیل شود، در نهایت شبیه چیزی که در ماه دسامبر در یمن رخ داد، به یک قانون اساسی تن در خواهد داد. ساکنین جنوب یمن همیشه توسط صنعا مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند. به محض کناره‌گیری علی عبدالله صالح، رییس جمهوری سابق این کشور از قدرت، قبایل مختلف علیه یکدیگر به پا خاستند. سنی‌های مبارز، پناهگاه‌های القاعده را ایجاد کردند و شیعیان نیز وارد کارزار شدند.

بن عمر در این خصوص گفت: با پدید آمدن جنبش جدایی طلبی در جنوب یمن، نیروهای مرکزگریز، دولت مرکزی را به فروپاشی تهدید می‌کردند.

بن عمر مذاکراتی را طرح کرد که در نهایت باعث شد یمنی‌ها تنها راه حل را در تشکیل یک سیستم فدرال ببینند. او پس از تلاش زیاد موفق شد همه رهبران سیاسی را به امضای توافقی در این زمینه ترغیب کند.

طبق این توافق یک دولت فدرال تشکیل خواهد شد که در آن ایالت‌های خود مختار محلی جود دارند. صنعا به عنوان پایتخت باقی خواهد ماند و سیاست خارجی کشور را نیز اداره خواهد کرد.

جزئیات این طرح همانند تعداد ایالات فدراسیون، همچنان مشخص نشده است و حتی ممکن است در اجرا ناکام بماند. اما اولین توافق رسمی برای تشکیل یک اتحادیه فدرال از یک کشور عربی که سابقا تنها حکومت دیکتاتوری را تجربه کرده بود، اکنون ثبت شده است.

بارام معتقد است که قرار دادی مشابه با آن می‌تواند بسیاری از مشکلات عراق را حل کند.

به گفته او، سنی‌های عراق نیز مایلند همچون کردها تا حدی خودمختار باشند. آن‌ها می‌توانند با کمک دولت عراق افراطی‌هایی را که از آن‌ها بیزارند، شکست دهند.

اما بارام گفت که مشکل اصلی در جزئیات توافق است. امریکایی‌ها پیش از ترک عراق، با رهبران قبیله‌ای ارتباط خوبی داشتند و اکنون نیز برای تشکل یک کشور فدرال دخالت امریکا ضروری است.

بارام همچنین معتقد است که سوریه نیز از اجرای چنین طرحی ذی نفع خواهد شد. سنی‌ها کنترل مناطقی را در اختیار دارند که در آن‌ها نفت، آب و دیگر نیازهای ضروری یافت می‌شود و علوی‌های حامی دولت اسد نیز کنترل سواحل را در دست دارند. پس بهترین راه حل، ایجاد یک دولت فدرال در سوریه است.

منتقدان دولت امریکا معتقدند که واشنگتن باید چهره خود به عنوان رهبر خاورمیانه را بازسازی کند.

دوران در این خصوص گفت: دولت اوباما سنت قدیمی امریکا که نقش رهبری‌اش بود را کنار گذاشته است. ایجاد یک ائتلاف، به معنای لشگرکشی به سوریه نیست بلکه نشان می‌دهد سررشته امور در دست این کشور است.

دوران خاطرنشان کرد: در صورت عدم دخالت امریکا، افراطیون ضد امریکایی قدرت را در دست خواهند گرفت و این اتفاق دوباره پای نیروهای امریکایی را به خاورمیانه باز خواهد کرد.

اگر اینگونه شود، بهتر است ما از هم اکنون با شرایط خود، منطقه را شکل دهیم تا اینکه بخواهیم با عجله و با رعایت شرایط دیگری، به اجرای این کار مجبور شویم.

بخش دوم

آزادی در قلمروِ انسانی و یک تناقضِ دردناک

علی‌رضا عزیزی

آزادی نزد امروزیان

با وقوع پدیدهٔ رنسانس و پیدایش عصر روشن‌گری که همراه بود با ظهور پروتستانتیسم به مثابهٔ قرائت جدیدی از مسیحیت، در طی چند قرن (۱۵ تا ۱۸) اندیشه‌های جدیدی شکل گرفت که با انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ خود را به شکل رسمی مطرح ساخت. این جهان‌بینی جدید، به شکل بنیادینی خود را از جهان‌بینی گذشته‌گان تمایز بخشیده بود. اگر جهان‌بینی گذشته بر مرجعیت مذهب به عنوان تنها منبع «معنی‌بخش» و «الزام‌بخش» تأکید می‌ورزید، جهان‌بینی جدید دو منبع دیگر را نیز بدان افزود که یکی «علم» بود و دیگری «عقل»، که اصالت‌بخشی آن عبارت است از سیانتیسم و راسیونالیسم، و در کنار این‌ها پروتستانتیسم که تحولی بود از درون مذهب مسیحیت بر تطبیق‌پذیری ایمان با اندیشه‌های روشن‌گری.

شاید بتوان این تحولات را رادیکالیسم به معنای واقعی کلمه دانست، چرا که در این انقلاب همه‌جانبه

در جهت علمی:

علم از تحلیل قیاسی به تحلیل استقرایی روی آورد (به کوشش فرانسیس بیکن پدر علم جدید).

در جهت عقلانی:

عقلانیت غایت‌اندیش گذشته‌گان، جای خود را به عقلانیت ابزاری امروزیان داد؛ عقلانیتی که همهٔ پدیده‌های طبیعی را هم‌چون موادی می‌پنداشت در جهت بهره‌وری و تصرف هرچه بیشتر آدمی در جهت ایجاد رفاه و برخورداری.

در جهت رفورمیسم مذهبی

لوتر پیشوای مکتب پروتستانتیسم به‌صراحت گفت: «هر یک از ما کشیشی هستیم»، و بدین طریق آزادی فرد را از مرجعیت‌های روحانی اعلام داشت. و در جهت فلسفی: فلسفه از تفسیر جهان به سوی تغییر جهان گرایش یافت (تبیین مارکس و انگلس) و کانت که بر خرد اخلاقی و «خود خواسته‌گی» ارادهٔ آدمی تأکید ورزید. و در ادامهٔ همین روند اگزیستانسیالیسم «آزادی مطلق» و «تقدم وجود بر ماهیت» را مطرح ساخت و نیچه در مکتب قدرت‌پرستانه‌اش از «مرگ خدا» سخن راند و فوئر باخ که در «ذات مسیحیت» تمامی انگیزه‌های مذهبی و ارادت‌ورزی‌های معنوی بشریت را به عنوان فرافکنی عناصری از تجربهٔ بشری در چیزهای مورد پرستش معرفی کرد، و در نهایت و به طور کل انسان‌گرایی جای خداگرایی را گرفت.

و این‌چنین در یک گرایش فراگیر، اندیشهٔ بشری از مرجعیت توحیدی مذهب، به تثلیث علم، عقل و مذهب روی آورد و بشر مدرن به واقعیت زنده‌گی بازگشته و مفاهیم جدیدی هم‌چون حقوق بشر پدید آمد و به‌جای «تکالیف»، بر «حقوق» فردی، انسانی و اجتماعی آدمی تأکید رفت، و در بستر این تغییرات ریشه‌یی، بنیادهای جهانِ گذشته به معنای واقعی کلمه ویران گشت.

بدین لحاظ انسان جدید در ارتباط با منابع جدیدتر معرفت، صاحب ثروت‌های عظیم معنوی، فکری و حتا اقتصادی شده بود و به بازنگری اساسی از تصویر خود از خودش دست یازیده بود. بنا بر این تصویر جدید، نیازش را به آزادی منطبق بر صورت‌های جدید زنده‌گی خویش بیش از پیش احساس می‌کرد. و در یک حرکت تدریجی آزادی لیبرالی، به مثابهٔ قرائت متفاوتی از آزادی، پا به عرصهٔ وجود نهاد. لیبرال‌های اولیه می‌کوشیدند واقعیت و فراواقعیت زنده‌گی آدمیان را از هر گونه قیدی رها سازند، به همین لحاظ هم با مذهب و هم با قانون (قراردادهای اجتماعی) مخالفت می‌کردند، چرا که معتقد بودند هم شریعت و هم دموکراسی آزادی‌های آن‌ها را کانالیزه می‌کند. لیبرالیسم آن‌ها بر آزادی انتخاب که به تبع آن آزادی اندیشه و بیان را نیز شامل می‌شد، بنا شده بود و سامان فکری‌شان را بر این نهاده بودند که: «جامعه و انسان‌ها همواره در موقعیت انتخاب قرار دارند و هیچ‌گاه به مرحلهٔ «بعد از انتخاب» نمی‌رسند؛ آن‌ها همواره می‌توانند در شکل زنده‌گی، شغل، نوع مذهب و دیگر جنبه‌های زنده‌گی‌شان دست به انتخاب بزنند بدون این‌که الزامی بر آینده داشته باشند»، و از طرفی دیگر، عدالت در پیشگاه آن‌ها عبارت بود از «امکان فرصت‌های یک‌سان برای همه در جهت بروز و نمایش استعدادهای فردی خویش». شاید بتوان از اعتقادات‌شان چنین برداشت کرد که آن‌ها می‌خواستند با هر آن چیز که رشد تکاملی انسان را از جریان طبیعی‌اش خارج می‌سازد مقابله کنند، حال این موانع چه فرهنگ باشد، چه مذهب و چه قانون. آن‌ها معتقد بودند که انسان باید بر اساس آن‌چه خود می‌اندیشد و انتخاب می‌کند، حرکت کند.

این قرائت‌های متفاوت از مفهوم آزادی و عدالت، لیبرالیسم را که فرزند روشن‌گری بود، به شکل بنیادینی از اندیشه‌های گذشته تمایز بخشید. اگر گذشته‌گان به درون‌گرایی و آزادی از امیال نفسانی اهمیت می‌دادند، لیبرال‌ها بر برون‌گرایی و آزادی همه‌جانبه در شکل‌بخشی به زنده‌گی فردی در تمام حوزه‌های زنده‌گی با توجه به حقوقی که فرد برای خویش به عنوان یک انسان تلقی می‌کرد، تأکید داشتند و اگر آن‌ها از آزادی آدمی در چهارچوبی معین سخن می‌راندند، لیبرال‌ها بر «رهاسازی» اراده و اندیشهٔ بشری تأکید می‌ورزیدند و سرنوشت فرد را به خود فرد واگذار می‌کردند. پیامدهای این نگرش‌های متفاوت (به‌خصوص راسیونالیسم و پروتستانتیسم) به شکلی منطقی، «فایده‌گرایی و فردگرایی» بود؛ دو نگرش متفاوت نسبت به جهان که برخی آن‌ها را معادل یک‌دیگر می‌گیرند، به‌خصوص «چپ»ها در اروپا که چنین نگرشی دارند

قرائت‌های متفاوت از مفهوم آزادی و عدالت، لیبرالیسم را که فرزند روشن‌گری بود، به شکل بنیادینی از اندیشه‌های گذشته تمایز بخشید. اگر گذشته‌گان به درون‌گرایی و آزادی از امیال نفسانی اهمیت می‌دادند، لیبرال‌ها بر برون‌گرایی و آزادی همه‌جانبه در شکل‌بخشی به زنده‌گی فردی در تمام حوزه‌های زنده‌گی با توجه به حقوقی که فرد برای خویش به عنوان یک انسان تلقی می‌کرد، تأکید داشتند و اگر آن‌ها از آزادی آدمی در چهارچوبی معین سخن می‌راندند، لیبرال‌ها بر «رهاسازی» اراده و اندیشهٔ بشری تأکید می‌ورزیدند و سرنوشت فرد را به خود فرد واگذار می‌کردند. پیامدهای این نگرش‌های متفاوت (به‌خصوص راسیونالیسم و پروتستانتیسم) به شکلی منطقی، «فایده‌گرایی و فردگرایی» بود؛ دو نگرش متفاوت نسبت به جهان که برخی آن‌ها را معادل یک‌دیگر می‌گیرند، به‌خصوص «چپ»ها در اروپا که چنین نگرشی دارند

بخش نخست

هر روز مقابلِ آینه این سوال‌ها را از خود بپرسید!

تاکنون برای‌تان پیش آمده است جلو آینه بروید و با خود حرف بزنید؟ از خود سوال بپرسید و از نگاه دیگران خود را نگاه کنید؟ اگر نشده، به شما توصیه می‌کنیم این کار را یک بار هم که شده انجام دهید. جلو آینه، روبه‌روی خود بایستید و سوال‌هایی که در ادامه ذکر کرده‌ایم را از خود بپرسید. هرچه بیشتر این کار را انجام دهید، تغییرات بیشتری در زنده‌گی خود ایجاد خواهید کرد.

با پاسخ این پرسش‌ها، همهٔ تصمیمات و واکنش‌های شما به زنده‌گی در آن روز تغییر خواهد کرد.

۱ـ چه کسی در مراسم فاتحهٔ من از همه بیشتر برایم گریه می‌کند؟

«گاه می‌اندیشم خبر مرگِ مرا با تو چه کس می‌گوید؟ آن زمان که خبر مرگ مرا از کسی می‌شنوی، روی تو را کاشکی می‌دیدم!»

در پاسخ به این سوال به افرادی می‌رسید که بیش از همه شما را دوست دارند و با صداقت به شما عشق می‌ورزند. بنابراین با آن‌ها صادق و مهربان‌تر باشید. این فکر باعث می‌شود که احساسات شما تغییر کنند.

۲ـ آیا به اندازهٔ کافی در کنار افرادی که واقعاً دوستم دارند، هستم؟ زمان کافی به آن‌ها اختصاص می‌دهم؟

مطمین باشید که خیر. اما بدانید این افراد به دلیل علاقهٔ زیادی که به شما دارند، احساس خوب و انرژی زیاد به شما می‌دهند. حتا باعث می‌شوند تا به خود نیز احساس خوبی داشته باشید.

۳ـ دوست دارم چه کسی در مراسم تدفینِ من بیش از همه گریه کند؟

افرادی که به ذهن شما می‌رسند، کسانی هستند که بیشتر مواقع آن‌ها را نادیده می‌گیرید. شما شاید مراقب یا نگرانِ آن‌ها باشید اما احتمالاً هرگز قدردانِ آن‌ها نبوده‌اید. از این قدرنشناس بودن دست بردارید!

٤ـ آیا از گفتن محل کارم به دیگران احساس افتخار می‌کنم؟

اگر این‌طور نیست، باید کم‌کم به دنبال یافتن شغل جدید برای خود باشید. مقام و منصب آدم‌ها گذرا و موقتی هستند. پول هم یک روز هست و یک روز نیست. اما غرورِ انسان‌ها چیزی است که همیشه بوده و همیشه هم خواهد بود.

۵ـ آیا شغل من طوری هست که دوست داشته باشم فرزندم راه مرا ادامه دهد؟

برخی مشاغل هستند که به دلیل مشکلات زیاد، انسان‌ها دوست ندارند فرزندان‌شان راه آن‌ها را ادامه دهند. دلیل آن نیز متفاوت است، سختی کار، ناامنی شغلی، حقوق کم، مشتری‌های غیرقابل تحمل و... . اگر مشغول کاری هستید که به فرزند خود توصیه می‌کنید هرگز آن را ادامه ندهد، چرا خودتان آن را انجام می‌دهید؟

بدون شک دوست دارید فرزند شما زنده‌گی آرام و بی‌دردسری داشته باشد. خود شما هم لایق این نعمت‌ها هستید. پس یا آن کار را ترک یا مشکلاتِ آن را برطرف کنید. همان‌طور که آیندهٔ بهتری را برای فرزند خود می‌خواهید، برای خودتان هم آینده‌یی بهتر رقم بزنید.

٦ـ آیا احساساتِ امروزم با دیروزم فرق دارند؟

باید این‌طور باشد. باید هر روز احساساتِ متفاوت از دیروز خود داشته باشید. هر چه‌قدر هم که کم و کوچک، اما نباید امروز و دیروزِ شما یک‌شکل و یک‌گونه پیش بروند.

۷ـ آیا بیشتر از این‌که «بله» بگویم، «نه» می‌گویم؟

اگر این‌طور باشد، باید بدانید روزهای شما فرق چندانی با هم ندارند و این بسیار ناراحت‌کننده است. زیرا پس از مدتی انسان به روزمره‌گی می‌رسد و همه چیز به نظرش تکراری می‌شود.

اسپوتنیک‌زده‌گی

اسپوتنیک زده‌گی، مستند دیوید هافمن، که بر پایهٔ کتاب پل دیکنسون با نام «شوک سده» ساخته شده، به بررسی این موضوع می‌پردازد که پرتاب ماهوارهٔ اسپوتنیک از سوی روس‌ها در اکتوبر ۱۹۵۷ چه‌گونه به رقابت فضایی در جهان انجامید و موجب تأکید امریکا برگسترش و افزایش تسلیحات کشتار جمعی شد و گونه‌یی بدگمانی رو به رشد سیاسی و اجتماعی در روح امریکایی را دامن زد. در آغاز، این نخستین پرتاب ماهوارهٔ شوروی به مدار زمین هم‌چون یک دستاورد علمی پدیده‌وار شناخته شد، اما ستایش‌های جهانی دیری نپایید و دولت‌مردان و رسانه‌های امریکایی، نگره‌یی دیگرگون به این پرتاب ماهواره پیدا کردند. مستند اسپوتنیک‌زده‌گی با گفته‌یی از لیندن بینزجانسون آغاز می‌شود که سپس سناتور تگزاس شد: «از دید جهانیان، نخستین دوران و دومین در فضا یعنی دومین در همه چیز».

محسن قادری

اتحاد جماهیر شوروی در اکتوبر ۱۹۵۷ ماهوارهٔ اسپوتنیک را به فضا فرستاد. این ماه، شرکت بالکونی، مستند اسپوتنیک‌زده‌گی را در نیویارک، لاس‌آنجلس، سان فرانسیسکو، شیکاگو، بوستون و شهرهای دیگر امریکا به نمایش می‌گذارد. مستند دیوید هافمن نشان می‌دهد که پس از آن‌که اسپوتنیک شوروی، نخستین ماهوارهٔ جهان در مدار زمین جای گرفت، ترس و بدبینی چه‌گونه به دل مردم امریکا راه یافت. در این زمان، موجی از احساساتَ برانگیخته شد که تا امروز بر سیاست و خط مشی امریکا تأثیر داشته است.

این رخداد به رقابت‌های جنگِ سرد میان ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی نه تنها در مسابقهٔ پُرشور فتح فضا، که هم‌چنین به انباشتِ سلاح‌های کشتار جمعی انجامید و کم‌وبیش مفهوم «هولوکوست اتمی» را پدید آورد. اسپوتنیک‌زده‌گی فلم جذاب و نقطهٔ مقابل مستند شناخته شده «در سایهٔ ماه» است که مأموریت ناسا در کرهٔ ماه و تلاش‌های دلاورانهٔ فضانوردان امریکایی را پی می‌گیرد.

اسپوتنیک زده‌گی، مستند دیوید هافمن، که بر پایهٔ کتاب پل دیکنسون با نام «شوک سده» ساخته شده، به بررسی این موضوع می‌پردازد که پرتاب ماهوارهٔ اسپوتنیک از سوی روس‌ها در اکتوبر ۱۹۵۷ چه‌گونه به رقابت فضایی در جهان انجامید و موجب تأکید امریکا برگسترش و افزایش تسلیحات کشتار جمعی شد و گونه‌یی بدگمانیِ رو به رشد سیاسی و اجتماعی در روح امریکاییِ را دامن زد. در آغاز، این نخستین پرتاب ماهوارهٔ شوروی به مدار زمین هم‌چون یک دستاورد علمی پدیده‌وار شناخته شد، اما ستایش‌های جهانی دیری نپایید و دولت‌مردان و رسانه‌های امریکایی، نگره‌یی دیگرگون به این پرتاب ماهواره پیدا کردند. مستند اسپوتنیک‌زده‌گی با گفته‌یی از لیندن بینزجانسون آغاز می‌شود که سپس سناتور تگزاس شد: «از دید جهانیان، نخستین دوران و دومین در فضا یعنی دومین در همه چیز».

این اوج جنگ سرد بود و چیزی نگذشت که امریکایی‌ها که از پرتاب ماهوارهٔ شوروی شگفت‌زده شده بودند، به هراس افتادند. دولت امریکا و از جمله رییس جمهور دووایت د آیزنهاور و لیندون بینزجانسون ـ موفقیت روس‌ها را هم‌چون ضربه‌یی سخت به برتری امریکا هم‌چون رهبر جهان و به سان تهدیدی قریب‌الوقوع برای شیوهٔ زنده‌گی امریکایی می‌دانستند. رسانه‌های امریکایی نیز دست کمی از دولت‌مردان این کشور نداشتند و به جای فرونشاندن هراس‌های پندارگونهٔ مردم امریکا در این‌باره که روس‌ها قادر و در پی حمله به امریکا از آسمان‌ها و پرتاب بمب‌های اتمی بر روی مراکز شهری امریکا و ایجاد «هولوکوست اتمی» هستند، آتش این تنور رسانه‌یی را داغ‌تر می‌کردند. ارتش به منظور دفاع و مقابله به مثل مجموعهٔ گسترده‌یی از سلاح‌های کشتار جمعی را گسترش داد که از جملهٔ آن‌ها موشک‌های بالستیک میان قاره‌یی و استقرار آن‌ها در نزدیک شهرهای کلیدی در سراسر امریکا بود. طرح‌های تخلیهٔ فوریتی به اجرا گذاشته شدند، پناهگاه‌های عمومی و خصوصی ساخته شدند، به کودکان مدارس آماده‌گی در برابر حمله‌های هوایی دشمن و تنفس با نقاب گاز آموزش داده می‌شد و بیشتر گفت‌وگوهای خانواده‌گی در این زمان دربارهٔ چه‌گونه‌گی جان به‌در بردن از این حملات بود. افزون بر این، مواعظی مذهبی دربارهٔ چگونگی مقاومت در برابر گرایش‌های بی‌خدایی اتحاد جماهیر شوروی کمونیستی ایراد می‌شد.

امریکا در این زمان ماهواره‌یی را آمادهٔ پرواز کرده بود اما جالب است که آیزنهاور، رییس جمهور وقت امریکا، دربارهٔ پرتاب ماهوارهٔ امریکایی با احتیاط عمل می‌کرد، زیرا این ماهواره را ارتش امریکا می‌ساخت. شاید نگرانی از این بود که روس‌ها پرتاب ماهوارهٔ امریکایی را عملیِ تهاجمی ارزیابی کنند. شهروندان امریکایی تقریباً هنگامی اعتماد به نفس خود را باز یافتند که امریکا ماهوارهٔ «ونگارد» را به فضا فرستاد و از آن‌پس بود که امریکا از این رقابت فضایی پیروز بیرون آمد؛ چرا که فضانوردان امریکایی نخستین بار پا به کرهٔ ماه نهادند. مجموعه‌تصاویر این رخداد را بیشتر در مستند «در سایهٔ ماه» که با رویکرد دیگری ساخته شده، می‌توان دید.

مسابقهٔ امریکا و شوروی برای غلبه بر فضا، فرصت‌های آموزشی ارزشمندی در اختیار امریکایی‌ها گذاشت اما این امر با گسترش و انباشت فزایندهٔ موشک‌های بالستیک قاره‌پیما نیز همرا بود. ارتش امریکا این موشک‌ها را در مراکزی پنهان در پیرامون شهرهای امریکایی کار گذاشته بود تا به دفاع یا مقابله به مثل با حملات هوایی پیش‌بینی شدهٔ شوروی برآید.

فلم برای کندوکاو در چارچوب ذهنی مردم امریکا در روزهای جنگ سرد، مجموعهٔ گسترده‌یی از فلم‌های سیاه و سفید بایگانی و تصاویر خبری را نمایش می‌دهد که برخی از آنها دهه‌هاست دیده نشده اند. از میان این تصاویر می‌توان به کنفرانس‌های مطبوعاتی و گفت‌وگوها با سران دولتی، سران مذهبی، سیاست‌مداران و دانشمندان اشاره کرد. در این مستند پاره‌فلم‌هایی از سربازان امریکایی، زنان و کودکان، دانشمندان روس و سیاست‌مدارانی به نمایش درمی‌آید که دربارهٔ رخدادهای زمان خود سخن می‌گویند و دیدگاه‌های خویش را در این‌باره بیان می‌دارند. یکی از پُرتوان‌ترین جنبه‌های این فلم، همین غنای تصاویر بایگانی آن است.

اسپوتنیک‌زده‌گی همانند فلم‌های روشن‌گرانه‌یی چون مه جنگ ساختهٔ ارول موریس و دیگر مستندهای تاریخی نشان می‌دهد که چه‌گونه یک رخداد تاریخی می‌تواند یک رشته تصمیم‌ها و آن‌گاه زنجیره‌یی از رخدادها را به همراه آورد که به نوبهٔ خود می‌توانند جهان را تا آستانهٔ فاجعه بکشانند. در این باره، سیاست‌مداران صاحب نفوذ، افراطیون مذهبی و رسانه‌های فریب‌کار، مردم امریکا را به حالتی از بدگمانی فلج‌کننده کشانده بودند که چه بسا می‌توانست به یک ستیز آشکار جهانی بیانجامد.

روشن است که مستندها نیز بازنمودهای رسانه‌یی‌اند و همیشه این احتمال وجود دارد که فلم‌ساز پیش‌پنداشت یا دیدگاه فردی را هم‌چون حقیقت بنمایاند. اما اسپوتنیک زده‌گی از این کاستی به دور است. فلم دیوید هافمن از پژوهش ژرف و گسترده و توازن بیانیِ مناسبی برخوردار است که سبب می‌شود نتیجهٔ کَار رسانندهٔ آگاهی و شناخت باشد و بیننده را بر آن می‌دارد تا دیدگاه فردی خود به موضوع را باز نگاه دارد. از این دیدگاه، هافمن روایت‌گری تواناست. صدای لیو شرایبر گویندهٔ این مستند، بسیار اثرگذار و متقاعدکننده است و فلم‌نوشتهٔ آن به هیچ رو در پی القای دیدگاه‌های فردی یا نتیجه‌گیری مورد نظر فلم‌ساز نیست.

ترس و بدگمانی‌یی که مردم امریکا در دوران جنگ سرد به خود دیدند، بی‌شباهت به چارچوب ذهنی کنونیِ مردم این کشور به‌ویژه پس از رخداد ۱۱ سپتمبر و رویدادهای پس از آن نیست. اسپوتنیک‌زده‌گی چه بسا اشاره‌یی زیرکانه به این نکته دارد.

شناسهٔ فلم به انگلیسی:

Sputink Mania Directed by David Hoffman

Writers: David Hoffman& Paul Dickson

min ۹۲:Runtime: USA

Country: USA

Language: English

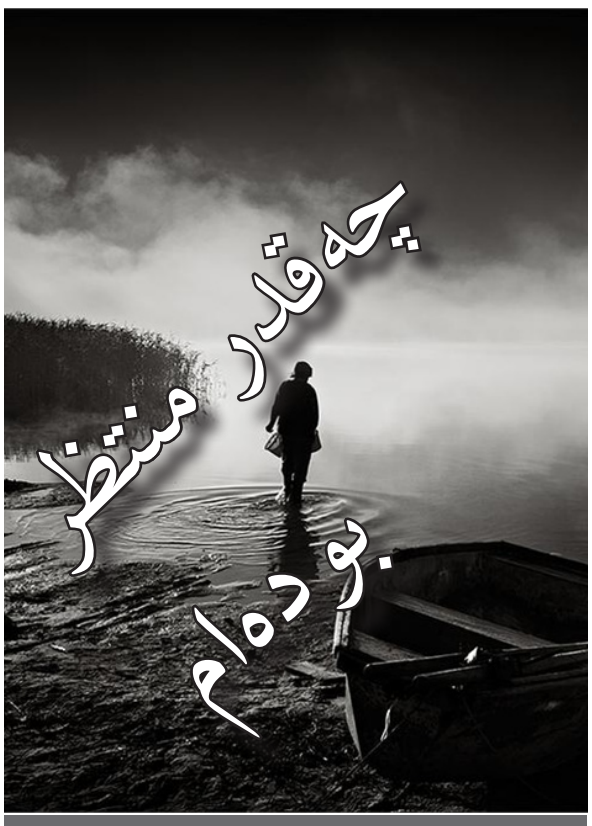

مریم وزیری

اگرچه بی‌تو رسیدم به فصل پایانی
چه‌قدر منتظرت بوده‌ام؛ نمی‌دانی

چه‌قدر منتظرت بوده‌ام که برگردی
رها کنی نگاه‌ام را از این پریشانی

همیشه غایب این قصه بوده‌ای و مرا
کشانده فکر گناهت به صد پشیمانی

نخواه عذر بخواهی؛ نگو گرفتاری
نگو تو وقت نداری که سر بخارانی

همیشه در غزلم حس اتفاق کم است
به نام عشق بیا در غزل به مهمانی

تو اتفاق شو و مثل رود جاری شو
که متهم نشود شاعری به نادانی

نخند! دل‌خوشی‌ام مضحک است، می‌دانم
تو سال‌هاست که شعر وداع می‌خوانی

و من نشسته‌ام اقرار می‌کنم یک عمر
مرا به بند کشید آن دو چشم شیطانی

ببین به چشم نشان می‌دهند رهگذران
مرا که سنبل عصیانم و بد ایمانی

دوباره با غزل پوچ رنگ می‌بازد
نگاه خاطره در تلخ‌بیت پایانی

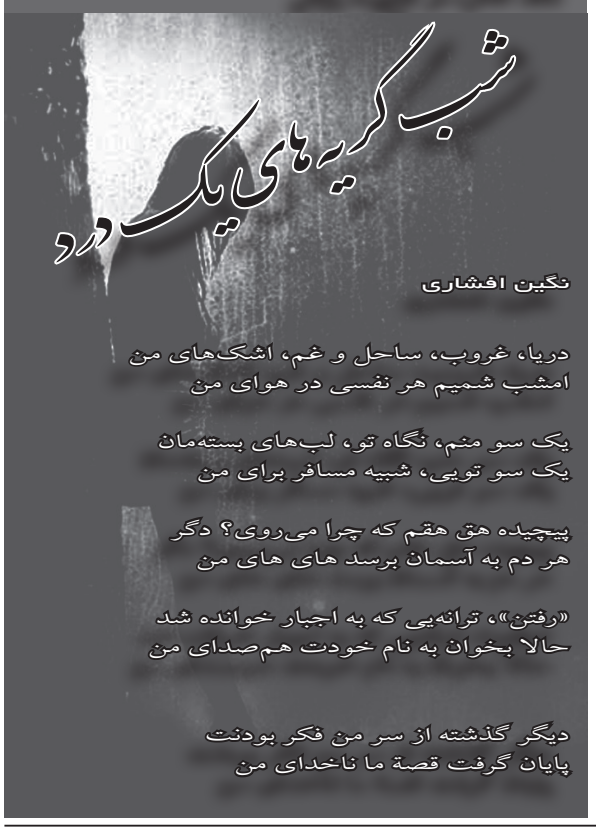

نگین افشاری

دریا، غروب، ساحل و غم، اشک‌های من
امشب شمیم هر نفسی در هوای من

یک سو منم، نگاه تو، لب‌های بسته‌مان
یک سو تویی، شبیه مسافر برای من

پیچیده هق هقم که چرا می‌روی؟ دگر
هر دم به آسمان برسد های های من

«رفتن»، ترانه‌یی که به اجبار خوانده شد
حالا بخوان به نام خودت هم‌صدای من

دیگر گذشته از سر من فکر بودنت
پایان گرفت قصهٔ ما ناخدای من

استقبال از اجندای ملی؛
گامی بزرگ به سوی تشکیل دولت وحدت ملی

احمد عمران

شکست دولتِ فعلی با همهٔ کمک‌های جهانی در ایجاد ثبات، امنیت و جامعهٔ عادلانه که بر اساس مشارکت عمومی و قرارداد اجتماعی به گفتهٔ روسو شَکل گرفته باشد، نخبه‌گان و اهلِ سیاست را در افغانستان از دیرزمانی به اندیشه واداشته است. عده‌یی با شرکت در انتخابات و ارایهٔ برنامه‌های خود تلاش کرده‌اند که راه بیرون‌رفت از بحران کلانِ امروزی جامعه را نشان دهند. شماری دیگر با ایجاد نهادهای سیاسی و اجتماعی خواسته‌اند که به این پرسش تاریخی پاسخ بگویند و گروه‌هایی هم مثل طالبان، تنها با تفنگ می‌خواهند به زعم خود افغانستان را از مصیبتی که با آن روبه‌رو شده، نجات بَخشند.

طرح‌ها و برنامه‌ها البته در جامعه‌یی مثل افغانستان، همواره فراوان بوده است؛ از طرح‌های مقطعی و زودگذر که تنها به فروکاستن مشکلات در محور چند موضوع عام خلاصه می‌شود گرفته تا برنامه‌هایی که به‌نحوی تلاش کرده‌اند وسعت و میزانِ بحران فعلی را به گونهٔ علمی و نظام‌مند کالبدشکافی کنند. در این میان آن‌چه که اهمیت دارد، نگاه موشکافانه و به دور از تعصب به مسالهٔ افغانستان است. ما در گامِ نخست بر اساس معیارهای جامعه‌شناسی مدرن باید چیزی را به عنوان مسأله شناسایی کنیم تا پس از آن به راه‌حل‌های آن پرداخته شود. مسأله، سوال و یا موقعیتی است که باید آن را برطرف کرد. گاه مسأله می‌تواند کاملاً شخصی باشد، ولی گاه به مسایلی برخورد می‌کنیم که تنها جنبهٔ شخصی ندارند و به سرنوشت و آیندهٔ یک جامعه و کشور پیوند خورده‌اند؛ مثل آن‌چه که ما در افغانستان شاهد آن هستیم.

پرسش اصلی این‌جاست که بحران فعلی کشور که همه را سراسیمه و سردرگم کرده است، چه‌گونه می‌تواند پایان پیدا کند؟ چه‌گونه مردم افغانستان قادر خواهند شد که با حفظ ارزش‌های‌شان، کشوری باثبات، مرفه و مبتنی بر عدالت سیاسی و اجتماعی داشته باشند؟... برای این پرسش‌ها پاسخ‌های متعددی ارایه شده‌اند. این‌گونه نیست که این پرسش‌ها به عنوان پرسش‌های کلیدی، هرگز کسی را به اندیشه وا نداشته باشد. دولت فعلی نیز زمانی که شکل گرفت، بر پایهٔ مسایلی بود که در افغانستان از دیرزمانی بدون حل باقی مانده بودند. مردم افغانستان و جامعهٔ جهانی امیدوار بودند که در روند همکاری‌های مشترک و دوجانبه بتوانند بر بحرانِ افغانستان نقطهٔ پایان بگذارند. اما پس از یک دهه می‌بینیم که مسایل و مشکلات کشور نه تنها کاهش نیافته‌اند، بل ابعاد تازه‌یی هم پیدا کرده‌اند.

شاید دولت فعلی نمی‌خواست که به چنین سرنوشتی دچار شود، ولی واقعیت این است که چه دولت خواسته بود و چه نخواسته بود، ما کشوری با معضلاتِ فروان اجتماعی و سیاسی هستیم. درس‌های یک دهه و حتا بیشتر از آن، درس‌های سه دههٔ اخیر به ما می‌آموزانند که مشکلات کشوری چون افغانستان، از طریق نسخه‌های انعطاف‌ناپذیر و یک‌بعدی قابل حل نیستند. ناکامی دولت فعلی، نتیجهٔ عمل‌کرد غیردقیق و سطحی‌نگرانهٔ آن با مسایل بوده است. تلاش‌هایی از این‌دست که بنا بر مصلحت‌هایی، عده‌یی را در قدرت سهیم بسازیم که حتا موقعیت و تأثیر آن‌ها بر اطرافیان‌شان مشخص نیست، نمی‌توانند ره به جایی ببرند. نمی‌توان با شعار دادن و گفتن حرف‌های احساساتی و حتا اشک ریختاندن، معضلات کشور را برطرف کرد. حل مسایل افغانستان نیاز به اندیشه، تفکر و معیارهای شناخت‌شناسانه دارد.

برای حل مشکلات و بحران‌های جامعه، عمدتاً به دو شیوهٔ معمول و متعارف توسل می‌جویند: نخست شیوه‌یی پیشینی؛ و دوم شیوهٔ پسینی. در شیوهٔ پیشینی عمدتاً تلاش می‌شود که با توجه به تجربه‌های دیگران و همذات‌پنداری واقعیت‌ها و مسایل، به راه‌حل‌ها دست یابند. مثلاً وقتی بحث منازعات در کشور چه در سطح سیاسی و فرهنگی مطرح می‌شود، در شیوهٔ پیشینی برای آن از تجارب کشورهای مشابه نمونه‌هایی به‌دست داده می‌شود که بر پایهٔ آن‌ها به حل مشکلاتِ خود می‌توان اقدام کرد. اما در شیوهٔ پسینی در آغاز یک نمونهٔ کلان یا پارادایم کیس به وجود می‌آید و آن‌گاه به راه‌حل‌های آن پرداخته می‌شود و از دل این راه‌حل‌ها، نظریه‌پردازی صورت می‌گیرد.

برای رفع مشکلات و مسایل افغانستان با توجه به شرایط و موقعیت ژیوپولتیک آن، نمی‌توان تنها به یکی از شیوه‌ها توسل جست؛ بل استفادهٔ بهینه از شیوه‌های پیشینی و پسینی می‌تواند کمک موثری به حل بحران موجود باشد. آن‌چه هم که در رابطه با استقبال نخبه‌گان و اهل سیاست و اندیشه از طرح اجندای ملی در این روزها در سطح جامعه مطرح هست، برمی‌گردد به فراگیری و انعطاف‌پذیری این طرح.

احمد ولی مسعود از آغاز طرح اجندای ملی به این می‌اندیشید که آن را به عنوان طرحی برای نخبه‌گان و تمام آحاد جامعه ارایه کند؛ طرحی که بتواند اندیشه‌ورزی را برانگیزد و مشارکتِ همه‌گانی را فراهم کند. اکنون این طرح مورد توجه شمار زیادی از نامزدان انتخابات ریاست‌جمهوری کشور نیز قرار گرفته است. چندی پیش، برخی از نامزدان مطرح انتخابات ریاست‌جمهوری از جمله داکتر عبدالله، قیوم کرزی و زلمی رسول با آقای مسعود گفت‌وگوهایی داشته‌اند و ضمن کسب آشنایی با طرح اجندای ملی و چهارچوب‌های مفید و همه‌شمول آن، حمایتِ خود را از آن اعلام نموده‌اند. به‌تازه‌گی نیز نامزدانی چون اَستاد سیاف، عبدالرحیم وردک، اشرف‌غنی احمدزی، هدایت امین ارسلا و گل‌آغا شیرزی طی دیدارهای جداگانه با احمدولی مسعود، از طرح اجندای ملی و راهکارهای نهفته در آن و تمام تلاش‌های صورت گرفته در این راستا استقبال کرده‌اند. قرار است هفتهٔ آینده کنفرانس بزرگِ اجندای ملی در شهر کابل برگزار گردد و در آن جمعِ کثیری از نخبه‌گان، اندیشمندان و سیاست‌مداران شرکت ورزند.

من پیش از این در همین روزنامه نوشته بودم که ایجاد وحدت ملی از نظر عملی، مقدم بر ایجاد مفهوم وحدت ملی در یک کشور است. در کشورهای پسامنازعه همواره برای ایجاد وفاق ملی، به تشکیل دولت وحدت ملی نیاز می‌افتد. در چنین کشورهایی، بحث دولتِ اکثریت نمی‌تواند محلی از اعراب داشته باشد چون دولتِ اکثریت زمانی به‌وجود می‌آید که مسأله‌یی به نام وحدت ملی چنین با سوءتفاهم‌های بنیادین روبه‌رو نباشد.

یکی از اشتباهات بزرگ دولت فعلی، پیش‌فرض گرفتنِ وحدت ملی در کشور بود. برای دولت‌مردان کشور هرگز بحث وحدت ملی موضوعیت نداشته است. به باور آن‌ها، افغانستان کشوری است که مشکلی با وحدت ملی ندارد، پس باید به دنبال دولت اکثریت بود. دولت اکثریتی را هم که تیم فعلی به وجود آورد، به دلیل همان عدم حل مشکل وحدت ملی در کشور، دولتی مصلحت‌گرا شد؛ دولتی که تلاش دارد خود را در ظاهر امر، دولت اکثریت نشان دهد ولی به گونهٔ ناقص از مولفه‌های دولت وحدت ملی سود می‌جوید.

گفتمانی کردنِ قدرت در جامعه، می‌تواند در امر رسیدن به دولت وحدَت ملی کمک کند؛ زیرا بیرون از دایرهٔ قدرت هیچ‌گونه اپستیمه و یا صورت دانایی به تعبیر فوکو نمی‌تواند وجود داشته باشد. استقبال از دولت وحدت ملی از سوی نامزدهای ریاست‌جمهوری را باید گامی به جلو به سمت حلِ مشکلات و بحران‌های کشور تلقی کرد. حالا نیاز است که این طرح به صورت عملی وارد میدان شود. برای رسیدن به چنین هدفی، پیش از همه نیاز به گفت‌وگو در جامعه است. گفت‌وگو این است که بتوانیم در شرایط خاص، یک قدم به پس بگذاریم و در شرایط خاص دو قدم به جلو. از درون چنین گفت‌وگویی است که جامعه بر پایهٔ فرهنگ مدرا، به عقلانیتِ سیاسی به عنوان اصلی‌ترین راه بیرون‌رفت از مشکلات دست می‌یابد.

واضح است کی‌ها از...

که در حملهٔ هوایی نیروهای امریکایی، دست‌کم ۱۴ غیرنظامی کشته شده که اجساد سه زن و پنج کودک نیز در میان کشته‌شده‌گان دیده می‌شود.

آقای خواصی به روزنامهٔ ماندگار گفته بود که در نتیجهٔ عملیات هوایی نیروهای خارجی بر ولسوالی سیاه‌گرد، شماری از مردم متواری شده‌اند و همچنان برخی منازل غیرنظامیان ویران‌شده است.

او همچنان گفته بود که نیروهای خارجی خانه‌های مردم را بازرسی کرده و حتا در شماری از خانه‌ها ماین‌گذاری کرده‌اند.

اما حاجی احمد ذکی زاهد رییس شورای ولایتی پروان به روزنامهٔ ماندگار گفت: « بررسی هیات اعزامی به ولایت پروان کاملاً جانبدارانه بود و اتفاقات را به شکل درست و واقعی آن گزارش ندادند».

او همچنان گفت: «کسانی‌که با مردم در ارتباط اند، نماینده‌گان شورای ولایتی اند؛ بنابراین ما باید در ترکیب هیأت اعزامی به منطقه می‌رفتیم و وضعیت را از نزدیک بررسی می‌کردیم».

رییس شورای ولایت پروان افزود: «ولی متأسفانه چنین نشد و این هیأت به خواست خواصی صاحب و بدون هم‌آهنگی با ما، به سیاه‌گرد رفتند و چون این ولسوالی در اختیار طالبان قرار دارد، بنابراین رانندهٔ خواصی صاحب را به آن‌جا فرستادند و او هم چند تصویر را با خود آورد و از آن گزارش تهیه کردند».

حاجی زاهد تأکید می‌کند، انعکاس‌دادن گزارش‌ها به شکل غیر واقعی آن یک نوع حمایت سیاسی از طالبان است و این که گفته می‌شود شماری از نماینده‌گان مجلس از طالبان حمایت می‌کند، می‌تواند گواه این واقعیت باشد.

وی اضافه کرد، زمانی‌که رییس شورای ولایت بامیان و یکی از انجنیران شرکت‌های ساختمانی در ولسوالی سیاه‌گرد به شهادت رسیدند، هیچ کسی اعتراضی نکرد و آن را تقبیح نکرد؛ اما در هفتهٔ گذشته کسانی‌که در پارلمان حضور دارند و از مردم نماینده‌گی می‌کنند، به شکل غیر مستقیم با اعتراضاتی که داشتند از طالبان حمایت کردند؛ بنابراین واضع و آشکار است که کی‌ها از طالبان حمایت می‌کند.

وی می‌گوید: «حزب اسلامی و طالبان در سایر نقاط افغانستان به طور جداگانه فعالیت دارند؛ اما پروان تنها ولایتی است که حزب اسلامی و گروه طالبان به صورت هم‌آهنگ و مشترک در آن جا عمل می‌کنند».

حاجی زاهد افزود: «طالبان پس از کنر در ولسوالی‌های غوربند ولایت پروان، به صورت منظم فعالیت دارند و دارای قاضی، محاکم و پایگاه نظامی بسیار محکمی هستند».

به گفتهٔ حاجی زاهد، سه درهٔ ولسوالی شینواری مانند کفشان، نمک‌آب و پل هیر کاملاً در اختیار طالبان قرار دارد و همچنان برخی مناطق ولسوالی سیاه‌گرد از جمله وازغر، قمچاق، فندقستان، خیشکی و برخی مناطق دیگر، کاملاً در اختیار طالبان قرار دارد.

او گفت که در ولسوالی‌های غوربند و کوه صافی، طالبان حضور بسیار گسترده دارند.

آقای زکی دلیل فعالیت منظم طالبان در این ولایت را حمایت سیاسی شماری از مقامات حکومتی از آن‌ها و ضعف نیروهای امنیتی افغانستان، عنوان می‌کند.

رییس شورای ولایت پروان می‌گوید، از یک سو ارادهٔ سیاسی برای تأمین امنیت ولسوالی‌های نا امن پروان وجود ندارد و از طرف دیگر، حکومت مرکزی علاقهٔ چندانی برای تأمین امنیت ولسوالی‌های نا امن این ولایت ندارد.

او افزود، مسالهٔ مهم دیگر این‌که شماری از نماینده‌گان نیز می‌خواهند به نحوی وضعیت امنیتی این ولایت را مختل ساخته و به نفع خود استفاده کنند؛ بنابراین بهترین راه حل برای تأمین امنیت شماری از ولسوالی‌های نا امن ولایت پروان، همکاری مشترک نماینده‌گان مردم این ولایت در مجلس، نیروهای امنیتی و نماینده‌گان شورای ولایتی است.

در همین حال، هفته گذشته عبدالبصیر سالنگی والی پروان گفته بود که در نتیجهٔ عملیات نیروهای خارجی در ولسوالی سیاه‌گرد ولایت پروان، ۸ تن کشته شده که چهار تن آن‌ها از فرماندهان طالبان می‌باشد و چهار تن دیگر آن‌ها غیرنظامیان هستند.

ولسوالی غوربند در پنجاه کیلومتری شمال کابل یکی از ناامن‌ترین مناطق در حوزه نسبتاً امن شمال کابل است.

که امنیتي ټرون هم لاسلیک شي، امریکایي ځواکونه وځي

برخی تحلیلگران برجستهٔ امور افغانستان معتقدند که حامد کرزی رهبری ضعیف بوده و افغانستان تحت ریاست‌جمهوری وی آسیب‌های فراوانی دیده است.

به گزارش شبکهٔ خبری صدای روسیه، نصیر شنساب، مولف دو کتاب در رابطه با افغانستان و دیوید ایسبی، یکی از ناظران کهنه کار افغانستان و جنگ‌های این کشور در رابطه با روابط میان واشنگتن و کابل گفتند: اگر توافق نامه امنیتی دو جانبه‌یی میان واشنگتن و کابل امضا نشود وضعیت امنیتی افغانستان به سرعت وخیم می‌شود و طالبان آزادانه مجدداً پایگاهی را در این کشور برای خود به وجود می‌آورد.

شنساب می‌گوید: حامد کرزی، رییس جمهوری افغانستان رهبری ضعیف بوده و این کشور تحت ریاست جمهوری او آسیب‌های فراوانی دیده است.

وال ستړیټ ژورنال ورځپاڼې په خپله تازه ګڼه کې په یوه راپور کې لیکلي، که د کابل او واشنګټن ترمنځ امنیتي ټرون لاسلیک شي او که نه امریکایی ځواکونه به له افغانستانه ووځي.

له تېرو څو میاشتو راهیسې امریکا د دې ټرون په لاسلیک ټینګار کوي او وایي، که چېرې دغه ټرون لاسلیک نشي نو امریکایی ځواکونه به له افغانستانه ووځي.

امریکا په افغانستان کې له ۸۰۰۰ نه تر ۱۲۰۰۰ زرو ځواکونو د پاتې کېدو ویل؛ خو د وسله والو له لوري د جګړې ګرمېدل او د امنیتي ټرون نه په لاسلیک د ولسمشر کرزي ټینګار د امریکایانو نظر بدل کړی دی او غواړي چې له افغانستانه خپل ټول ځواکونه وباسي.

د المان ډي ویلټ ورځپاڼې د وال ستریټ ژورنال په حواله لیکلي، چې د امریکا مرستیال ولسمشر جو بایدن څو مهم دولتي کسان یوې غونډې ته وربللي؛ څو په افغانستان کې د امریکایي ځواکونو لپاره په پراخه پیمانه د بودیجې کمښت چمتو کړي.

د ورځپاڼې په باور، جوبایدن د اوباما په سلا په نظر کې لري، چې ۲۰۰۰ سرتېري په افغانستان کې د خپلو پوځي اډو د ساتلو لپاره په دغه هېواد کې پرېږدي.

د دوو میاشتو را په دې خوا د امریکا او افغانستان تر مینځ د امنیتي ټرون دمسودې کار تمام شوی او لوبې جرګې هم د مخې د لاسلیک کولو پریکړه کړېده، خو ولسمشر حامد کرزی یې نه لاسلیک کوي.

دغه ټرون په افغانستان کې د امریکایي ځواکونو شتون ته قانوني بڼه ورکوي او که چېرې لاسلیک نشي نو د امریکایي ځواکونو ترځنګ به نور نړۍ وال ځواکونه هم له افغانستانه ووځي. ولسمشر کرزي د دې ټرون د لاسلیک لپاره شرطونه ایښي او ویلي یې دي تر مخې یې چې شرطونه منل شوي نه وي دغه ټرون به لاسلیک نه کړي.

که څه هم چې امریکایي چارواکیو په وار وار له افغانستانه د ټولو امریکایي ځواکونو د ایستلو خبرې کړې؛ خو ولسمشرۍ مانې وایي، دغه خبرې پر افغان حکومت د فشار لپاره کېږي او له همدې امله په خپلو شرطونو ټینګ ولاړ دي.

حکومت باید زیرِ شعاع...

آن خودکامه می‌شود و فریب اعمال خود را می‌خورد.

حامد کرزی گفت که چنانچه سناتور بیات خاطر نشان کرد، این مرکز و ملحقات آن «توسط افغان‌ها و برای افغان‌ها» ساخته شده است و این بهترین شعار است که خود ما وطن خویش را با دستان خود بسازیم.

شماری از فعالان رسانه‌یی نیز به این باوراند که آزادی بیان در ده سال گذشته در منطقه بی نظیر بوده است و هیچ کشور همسایه، نتوانسته آزادی بیان را به اندازه افغانستان تجربه کند.

در حال حاضر رسانه های افغانستان آزادانه از حکومت انتقاد می کنند و گزارش هایی را علیه فساد، کم کاری و اختلاس ها در حکومت به نشر می رسانند.

عبدالحمید مبارز رییس اتحادیه ژورنالیستان افغانستان در این محفل گفت: «ما می‌توانیم با افتخار بگوییم که آزادی بیان و رسانه‌ها در منطقه ما رقیب ندارد. در اطراف کشور ما این آزادی بیان که در کشور ما است، احترام نمی‌شود.»

چالش‌ها

رسانه ها و خبرنگاران افغانستان در فضای نامساعدی کار می‌کنند. تهدیدهای جانی و مالی علیه خبرنگاران، لت و کوب و انواع توهین و تحقیر مسایلی است که خبرنگاران افغانستان با آن ها دست و پنجه نرم می‌کنند.

موسسهٔ حمایت از رسانه‌های آزاد یا نی می‌گوید خبرنگاران افغان با چالش‌های زیادی روبرو هستند.

مجیب خلوتگر رییس این موسسه به دویچه وله گفت حکومت افغانستان از تصویب قانون دسترسی به اطلاعات خودداری می کند؛ به این دلیل خبرنگاران نمی‌توانند معلومات را به ساده‌گی به دست آورند.

آقای خلوتگر می‌گوید، نهادهای امنیتی افغانستان و شورای علما هرکدام به نوبه خود رسانه‌ها را فشار می‌دهند: «بدرفتاری پولیس، بدرفتاری افراد در وزارت دفاع علیه خبرنگاران، خبرنگاران را با چالش هایی روبرو می کند.»

خلوتگر می‌گوید فشار حکومت، ناامنی و تهدیدهای زورگویان محلی و همچنین فشارهایی که طالبان بر رسانه ها وارد می‌کنند، کار رسانه‌یی را در افغانستان مشکل می‌سازد.

همچنین نهادهای خبرنگاری می‌گوید حکومت تلاش کافی برای بررسی و رسیده‌گی خبرنگارانی که در ده سال گذشته جان شان را در راه اطلاع رسانی از دست داده اند، به خرج نداده است.

«انتظارات مردم را بر...

شخصی خویش می‌باشند.
نماینده‌گان شورای ملی روز دوشنبه به رخصتی‌های زمستانی خویش رفتند.
داکتر نقیب‌الله فایق نمایندهٔ مردم فاریاب در مجلس می‌گوید، دفاع کردن از کارهای خود و همکاران ما در یک‌سال گذشته دُشوار است، زیرا دیده می‌شود که شماری از نماینده‌گان مسوولیت‌های قانونی خود را انجام نمی‌دهند و درگیر کارهای دیگری هستند.
آقای فایق هم‌چنان افزود: «این نماینده‌گان در کمیسیون‌ها حضور ندارند، به نظارت نمی‌روند، حتا در مجلس عمومی هم حضور نمی‌یابند و بیشتر به کارهای شخصی و بازرگانی خود درگیر هستند.»
اما این عضو مجلس تأکید کرده گفت، در یک‌سالِ گذشته خلاف آن‌چه در مطبوعات گفته می‌شود در پارلمان افغانستان کارهای زیادی صورت گرفته است؛ مثلاً در جریان همین سال یازده قانون از پارلمان افغانستان پاس شده و چهار مورد تعدیل قانون نیز به تصویب رسیده است و نزدیک به ده موافقت‌نامهٔ مهم میان افغانستان و کشورهای بیرونی در مجلس نظردهی و قبول شده است و هم‌چنان ده‌هابار مجلس آجنداهای مهمی را روی موضوعات مختلف ملی گرفته است.
این عضو مجلس هم‌چنان می‌گوید، در کمیسیون‌ها هم روزانه ده‌ها تن از شهروندان کشور مراجعه کرده‌اند و به مشکلات‌شان رسیده‌گی شده است.
نقیب‌الله فایق تصریح کرد، به جز دو قانون همهٔ قوانینی که از طرف حکومت به مجلس آمده بود، پاس شده است.
در این حال، فرهاد مجیدی عضو دیگر مجلس نماینده‌گان کارکرد یک سالهٔ پارلمان را ناکام می‌خواند.
او می‌گوید که پارلمان به گونه‌یی‌که باید متأسفانه کار نکرده است.
آقای مجیدی می‌افزاید، دلایل زیادی مبنی بر ناکامی‌های پارلمان وجود دارد که بیشتر بر می‌گردد به مداخلات حکومت در کارهای پارلمان.
این نمایندهٔ مجلس هم‌چنان می‌گوید، حکومت از شروع پارلمان تا اکنون، همیشه برای پارلمان مزاحمت ایجاد کرده و تلاش کرده است از راه‌های گوناگون به امور کاری پارلمان مداخله کند و حکومت هیچ‌گونه احترامی به مردم و نماینده‌گان مردم نگذاشته است.
او می‌افزاید، غفلت در وظیفه متأسفانه همیشه وجود دارد که حتا موضوع باج‌گیری‌های شماری را از دولت نیز باعث شده است.
در عین حال، هدایت‌الله رهایی یکی از اعضای مجلس سنا می‌گوید، در کنارِ ناکامی‌ها در این سال، کارهای زیادی هم صورت گرفته است.
آقای رهایی هم‌چنان می‌گوید، شماری از قوانین و هم‌چنان توافق‌نامه‌ها با کشورهای دیگر، در هر دو مجلس تصویب و نظرخواهی شده است.
اما این سناتور می‌گوید، این یک واقعیت است که پارلمان در بخش‌هایی ناکام بوده و این ناکامی بیشتر از رقابت‌های ناسالم حکومت با پارلمان ناشی می‌شود.
آقای رهایی معتقد است، حکومت همیشه در تلاش بوده تا نقش نظارتی پارلمان ضعیف باشد.
هم‌چنان، گل پادشاه مجیدی نمایندهٔ مردم پکتیا در مجلس می‌گوید، نماینده‌گان بیشتر در بخش نظارتی مشکلات داشته‌اند و قسمی‌که توقع می‌رفت، کار در شورای ملی صورت نگرفته است.
این عضو مجلس معتقد است، خودسری‌ها و احترام نگذاشتن دولت به قانون، سبب شده است تا پارلمان نتواند این نقش خود را به‌گونهٔ درست به‌سر رساند.
گل پادشاه مجیدی قانون‌گذاری را از دست‌آوردهای خوب یک‌سال گذشتهٔ پارلمان دانسته می‌گوید، ما قوانین زیاد و خوبی را امسال در پارلمان تصویب کردیم.
به گفتهٔ او، قانون شوراهای ولایتی، قانون قراردادهای بازرگانی، قانون استفاده از تنباکو و هم‌چنان قانون سرپرستی اطفال در این سال تصویب شد.
این عضو مجلس هم‌چنان معتقد است، بربنیاد توقع مردم، شورای ملی عمل نکرده است.
در این حال، داکتر ظهیر سعادت نمایندهٔ مردم پنجشیر در مجلس با بیان این‌که پارلمان افغانستان مانند بخش‌های دیگر کشور مشکلات خود را داشته است، می‌گوید، نسبت به دور گذشته دست‌آوردهای پارلمان افغانستان امسال بسیار خوب بوده و قوانینی را که به تصویب رسانده اند، از قوانینی بوده که نیازمندی بیشتر مردم در آن زمینه‌ها وجود داشته است.
قوانین عملی خواهند شد؟
نماینده‌گان شورای ملی می‌گویند قوانینی که از جانب آنها تصویب می‌شود با استقبال حکومت و مردم مواجه نمی‌شود.
آن‌ها همچنان می‌گویند که برخی قوانین برخلاف خواست مردم تصویب شده است.
داکتر نقیب‌الله فایق از اعضای پارلمان در این باره گفت، بسیاری از مردم به دلیل این که قومیت آن‌ها در شناسنامه‌ها درج نمی‌شود، نمی‌خواهند شناسنامه بگیرند.
به گفتهٔ او، کاری‌که مجلس به حق هموطنان اهل هنود ما کرد، نیز برای مردم قابل قبول نیست. همچنان، مجلس اخیراً صلاحیت نظارتی شوراهای ولایتی را مورد تأیید قرار نداد.
نقیب‌الله فایق معتقد است شماری از وکلا دیدگاه‌های سلیقه‌یی خود را در تصویب قوانین دخیل ساخته‌اند.
آقای فایق افزود: «مثلاً در قانون شوراهای ولایتی نقش نظارتی برای نماینده‌گان این شوراها داده نشد و این نشأت می‌گیرد از دیدگاه سلیقه‌یی شماری از وکلا که نمی‌خواهند تا مردم حق نظارت را در ولایت خود داشته باشند».
این عضو مجلس معتقد است که این گونه قوانین به دردِ مردم نمی‌خورد.
هم‌چنان، این عضو مجلس نماینده‌گان با اشاره بر قوانینِ اختلاف برانگیزی که از دور پیشتر پارلمان باقی مانده بود و تا حال تصویب نشده است، می‌گوید: «قانون تحصیلات عالی و قانون محو خشونت علیه زنان از قوانین اختلاف برانگیزی بود که از دور پیش پارلمان تا حالا تصویب نشده است و فکر می‌کنم در آینده هم‌چنان این قوانین نا تصویب خواهند ماند».
باج‌گیری و لابی‌های حکومت در پارلمان
شماری از نماینده‌گان مجلس دلیل ناکامی در تصمیم‌گیری‌های خود را نفوذ حکومت در پارلمان دانسته می‌گویند که حکومت لابی‌های خود را در پارلمان دارد و آن‌ها از مجراهای گوناگون تلاش می‌کنند تا در برخی تصمیم‌گیری‌های مجلس تأثیر بگذارد.
آنان هم‌چنان می‌گویند که شماری از نماینده‌گان نیز در جریان سال گذشته درگیر باج‌گیری‌های خود از حکومت بوده اند.
گل پادشاه مجیدی نمایندهٔ مردم پکتیا می‌گوید، بیشتر نماینده‌گان مجلس درگیر باج‌گیری‌ها بوده‌اند که چند دسته‌شدن پارلمان در شماری موارد، می‌تواند از دلایل قوی باشد.
این عضو مجلس تصریح کرد و گفت: «بعضی وقت‌ها موضوعاتی که بسیار روشن بوده، مجلس نتوانسته کاری را انجام دهد، مانند موضوعات بودنِ فساد در یک اداره یا وزارت‌خانه، در این موارد حتا خود رییس‌جمهور هم دخالت داشته است.»
آقای مجیدی معتقد است، حکومت به شکل انفرادی در مجلس لابی‌های خود را داشته است.
او می‌گوید، حکومت در این زمینه مؤفق بوده است.
هم‌چنان، فرهاد مجیدی عضو دیگر مجلس می‌گوید، در کنار این‌ها شماری زیادی از نماینده‌گان در مجلس درگیر موضوعات قومی، سمتی و زبانی هستند؛ موضوعات حیاتی و ملی را از یاد برده‌اند.
در عین حال، نقیب‌الله فایق با بر شمردن مشکلات نماینده‌گان مجلس می‌گوید: «برخی وکلا در بسیاری از موارد مشکل دارند؛ از طالب، زندانی، مجرم، خارجی، وزیر، قاچاقبر و... دفاع می‌کنند؛ در بعضی موارد مصروف کارهی خانواده‌گی، گروهی و حزبی خود می‌شوند و مسایل ملی فراموش‌شان می‌شود».
داکتر فایق هم‌چنان می‌گوید، حکومت به گونه‌یی غیر مرعی در جهت کم ساختن مجالس عمومی نیز نقش داشته است.
آقای فایق می‌افزاید، چون همیشه کارکردهای حکومت در مجلس عمومی نقد می‌شد و در رسانه‌ها انعکاس می‌یافت؛ حکومت تلاش کرد تا جلسات عمومی زیادتر نباشد.
این عضو مجلس تصریح کرده گفت: «حکومت با بهانه‌های زیاد و با احتمال این‌که با هیأت اداری معامله‌یی هم کرده باشد، جنبهٔ کار را بیشتر در کمیسیون‌ها مطرح کرد و این از طرف هیأت اداری پذیرفته شد تا حکومت یک مقدار راحت باشد.»
در این حال، داکتر ظهیر سعادت عضو دیگر مجلس می‌گوید، شماری از نماینده گان به گونهٔ انفرادی بنابر منفعت‌های مشخص خود در طول سال مصروف باج‌گیری بوده اند.
آقای سعادت دلیل دیگر ناکامی پارلمان را در عملکردهای حکومت دانسته می‌گوید، در بسا موارد فیصله‌های شورا در تاق نسیان گذاشته می‌شود و در جهت تطبیق آن تلاش صورت نمی‌گیرد.
در هر چهار و نیم ماه یک‌بار نماینده‌گان مردم در پارلمان به تعطیلی می‌روند و آن‌ها مکلف‌اند تا در ولایات مربوطهٔ شان از ادارات محلی و مشکلات مردم وارسی کنند.

صادارت افغانستان افزایش یافته است

مسوولان اتاق تجارت و صنایع افغانستان می‌گویند که صادرات این کشور در ۹ ماه نخست سال جاری خورشیدی نسبت به همین زمان در سال گذشته ٤٩ درصد افزایش یافته است.
به اساس آماری که اتاق تجارت و صنایع این کشور اعلام کرده، افغانستان در ۹ ماه اول سال ۱۳۹۱ بیش از ۲٦۷ میلیون دالر صادرات داشته و این رقم در سال جاری به ۳۹۹ میلیون دالر رسیده است.
قالی، پنبه، صنایع دستی، سبزیجات، حبوبات و سنگ‌های قیمتی از جمله اقلامی هستند که از افغانستان صادر شده‌اند.
بیشترین کالاهای افغانستان به کشورهای پاکستان، هند، ایران، روسیه، کانادا، استرالیا و شماری از کشورهای اروپایی و آسیای میانه صادر شده است.
در این میان قالی با افزایش بیش از ۲۳۲ درصدی، افزایش چشمگیری در صادارت داشته است. محصولی که بیشتر در خانه های افغانها تولید شده و بافندگان برای هر متر مربع آن بین ٤٠ تا ۱۱۰ دالر آمریکایی مزد می‌گیرند.
مقامات افغان می‌گویند که افزایش صادرات به معنی زمینه های کاری بیشتر و وارد شدن مقدار بیشتری پول به افغانستان است.
کاهش آفات طبیعی، افزایش در حاصلات میوه تازه و سبزیجات، سهولت در روند صادارت، بازاریابی مناسب و وضعیت نسبتا خوب انتقالات و حل مشکلات مرزی با همسایه ها از جمله دلایل افزایش صادرات در افغانستان بوده است.
اما افغانستان هنوز کشوری است که تفاوت بسیار زیادی میان صادرات و واردات آن وجود دارد.
پیش بینی‌ها نشان می‌دهد که تا پایان سال خورشیدی واردات افغانستان به ۱۰ میلیارد دالر برسد در حالی که در خوشبینانه ترین حالت صادرات این کشور شاید ٦۰۰ میلیون دالر باشد.
٦۷ درصد افزایش در درآمد دولت از مالیه دهنده‌گان متوسط
همچنین وزارت مالیه افغانستان می‌گوید درآمد جمع آوری شده از مالیه دهندگان متوسط در یک سال گذشته مالی ٦۷ درصد افزایش یافته است.
صندوق بین المللی پول پیش بینی کرده بود که ریاست مالیه دهندگان متوسط باید در سال جاری ۱۰.۳ میلیارد افغانی از مالیه دهندگان متوسط جمع آوری کند.
اما سبحان الله فهیمی، رییس مالیه دهنده‌گان متوسط وزارت مالیه می‌گوید ۳۰۰ میلیون افغانی بیشتر از هدف تعیین شده، جمع آوری کرده اند.
درآمد به دست آمده در این بخش، ده درصد تمام درآمد دولت افغانستان را تشکیل می دهد.

با این وجود، آقای فهیمی می‌گوید هنوز هم حدود ده درصد شرکت هایی که از سوی افراد با نفوذ حمایت می‌شوند از پرداخت مالیه فرار می‌کنند.
حدود ۹ هزار شرکت به عنوان مالیه دهندگان متوسط در وزارت مالیه افغانستان ثبت است، شرکت هایی که سرمایه دورانی آنها به دو میلیون دالر می رسد.

ورزش

کاپلو:
کلمبیا شگفتی‌ساز جام‌جهانی می‌شود

سرمربی ایتالیایی تیم ملی فوتبال روسیه پیش‌بینی کرد کلمبیا شگفتی‌ساز جام‌جهانی ۲۰۱٤ برزیل شود.
جام جهانی ۲۰۱٤ فوتبال ۱٤۲ روز دیگر در کشور برزیل برگزار خواهد شد و ۳۲ تیم حاضر در این رقابت‌ها در ۸ گروه چهار تیمی به رقابت با هم خواهند پرداخت.
فابیو کاپلو، سرمربی خوشنام ایتالیایی که در جام جهانی ۲۰۱٤ هدایت تیم ملی روسیه را بر عهده خواهد داشت پیش‌بینی کرد کلمبیا تیم شگفتی‌ساز جام جهانی ۲۰۱٤ خواهد شد.
کاپلو درباره تیم شگفتی‌ساز جام جهانی ۲۰۱٤ گفت: به نظر من از زمانی که خوزه پکرمن هدایت تیم ملی کلمبیا را بر عهده گرفته است، توانسته این تیم را به عنوان یکی از تیم‌های قدرتمند آمریکای جنوبی مطرح کند و اکنون نگاه همه مردم به کلمبیا با قبل متفاوت است. من از تیم‌های کلمبیا، بلژیک و اروگوئه خوشم می‌آید و فکر می‌کنم که این دو تیم نسبت به قبل تفاوت‌های زیادی کرده‌اند. از بین این سه تیم کلمبیا را به عنوان شگفتی‌ساز جام جهانی ۲۰۱٤ انتخاب می‌کنم. آنها تیمی فیزیکی و تکنیکی هستند و می‌توانند پس از سال‌های غیبت در جام‌جهانی عملکرد خوبی را از خود نشان دهند.
کاپلو در ادامه گفت: اروگوئه نیز تیمی خوب و قابل احترام است که مهاجمان خطرناکی دارد. هم لوئیس سوآرس و هم ادینسون کاوانی دو مهاجم باکیفیت هستند که کار را برای حریفان اروگوئه در جام جهانی سخت خواهند کرد.
سرمربی سابق تیم ملی انگلیس که موفق شد در انتخابی جام‌جهانی ۲۰۱٤ همراه روسیه بالاتر از پرتغال به طور مستقیم به جام‌جهانی صعود کند درباره تیم‌های مدعی جام‌جهانی گفت: قطعا برزیل به دلیل میزبانی شانس نخست قهرمانی در جام‌جهانی محسوب می‌شود. علاوه بر برزیل تیم‌های اسپانیا، آرژانتین و آلمان نیز تیم‌های مدعی در جام جهانی خواهند بود.
روسیه در گروه ۸ جام‌جهانی ۲۰۱٤ با تیم‌های بلژیک، کره‌جنوبی و الجزایر همگروه شده است.

جنجال «ال‌موندو» از انتقال نیمار به بارسلونا

روزنامه ال‌موندو دیورتیوو مدعی شد بارسلونا برای به خدمت گرفتن نیمار برزیلی ۳۸ میلیون یورو بیش از آنچه اعلام کرده، هزینه کرده است.
بارسلونا در فصل نقل‌و انتقالات سال گذشته میلادی موفق شد نیمار را از سانتوس برزیل به خدمت بگیرد. این باشگاه رقم پرداختی به نیمار را ۵۷ میلیون یورو اعلام کرده بود اما روزنامه «ال‌موندو دیورتیوو» مدعی شد لاپورتا برای به خدمت گرفتن نیمار ۹۵ میلیون یورو هزینه کرده است و به همین خاطر دادگاه ساندرو راسل را فراخوانده است تا درباره این موضوع از خود دفاع کند.
این روزنامه مادریدی مدعی شد لاپورتا برای به خدمت گرفتن نیمار از سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۱۳ تلاش کرده است و برخلاف اعلام اینکه ۵۷ میلیون یورو برای ستاره جوان برزیلی پرداخته، آنها تابستان گذشته نیمار را با ۹۵ میلیون یورو به کاتالان بردند.
ال‌موندو مدعی شد لاپورتا ۹۵ میلیون یورو را در ۲ سال برای به خدمت گرفتن گرفتن نیمار هزینه کرده است که شامل موارد زیر می‌شود:
٤۰ میلیون یورو به خانواده نیمار، ۱۷ میلیون یورو به باشگاه سانتوس، ۷٫۹ میلیون یورو برای حق به خدمت گرفتن ۳ بازیکن جوان دیگر سانتوس، ۹ میلیون یورو برای حق دو بازی دوستانه با باشگاه سانتوس، ۸٫۵ میلیون یورو برای کمیسیون عقد قرارداد با نیمار، ۲٫٦ میلیون یورو برای مدیربرنامه‌های این بازیکن و ۱۰ میلیون یورو برای پاداش هنگام امضای قرارداد با بارسلونا.
اگر ثابت شود که بارسلونا برای به خدمت گرفتن نیمار ۳۸ میلیون یورو بیشتر از آنچه اعلام شده، هزینه کرده است، این بازیکن برزیلی به گرانقیمت‌ترین فوتبالیست جهان بالاتر از کریستیانو رونالدو پرتغالی و گرت بیل ولزی تبدیل خواهد شد.
مدیران باشگاه بارسلونا در واکنش به گزارش منتشر شده این روزنامه اسپانیایی اعلام کردند، این روزنامه اسپانیایی خیال‌بافی کرده است و ادعای آنان درباره قیمت به خدمت گرفتن نیمار صحت ندارد.
دادگاه این پرونده، از باشگاه سانتوس و فیفا درخواست کرده است تا همه اسناد مربوط به انتقال نیمار از سانتوس به بارسلونا را به این دادگاه ارائه دهند.
همچنین مسوولان مالیات برزیل و اسپانیا که پیش از این برای مبلغ انتقال نیمار به بارسلونا اعتصاب کرده بودند نیز اعلام کردند که به دقت در جریان پیشرفت این پرونده خواهند بود.
ال‌موندو همچنین اعلام کرده بود از قرارداد بازی‌های دوستانه تیم لیونل مسی در کلمبیا و سایر نقاط جهان در سال گذشته برای پول‌شویی استفاده شده است. این موضوع نیز همزمان در دادگاه در حال بررسی است.

مدیر مسؤول: نظری پریانی – ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
nazari.paryani@yahoo.com
ویراستار : روح الله یوسف زاده
مدیر خبر : امیری
گروه نویسنده‌گان: حلیمه حسینی،احمد عمران و کاوه جبران
گزارشگران: ناجیه نوری، عرفان مومند و محمد هارون مجیدی
برگ آرایی: مجیب احمدی

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com **وب سایت:** www.mandegardaily.com
شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰ – هرات: ۰۷۸۹۵۱۰۰۶۶
مسؤول توزیع: حبیب الله – ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸
نشانی: چهارراهی حصهٔ دوم کارته پروان، سرک غربی (سمت باغ بالا) دست راست، کوچهٔ پنجم

شماره‌گان: ۵۰۰۰
به جز «سخن ماندگار، مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسنده‌گان بر می‌گردد.

Year 5 ❁ NO 1223 ❁ Saturday 22 January 2014

Mandegar DAILY

شفاخانهٔ جمهوریت گشایش یافت

سر انجام پس از گذشت چهار سال از اعمار ساختمان جدید شفاخانهٔ جمهوریت در مرکز شهر کابل، این شفاخانه رسماً به فعالیت آغاز کرد.

معاون دوم رییس‌جمهور کرزی روز سه شنبه در محفلی که به مناسبت آغاز رسمی فعالیت این شفاخانه راه‌اندازی شده بود ابراز امیدواری کرد که پس از این میزان مسافرت مردم جهت تداوی مریضان‌شان به خارج از کشور کاهش یابد.

محمد کریم خلیلی می‌گوید که اگر در بخش ارتقای ظرفیت پرسونل، نصب وسایل تخنیکی مدرن و مراقبت از آن، توجه صورت گیرد، این شفاخانه در آینده به یک مرکز معتبر صحی به سطح منطقه مبدل خواهد شد.

او گفت:« اکنون که شفاخانه جمهوریت آغاز به فعالیت نموده است، با توجه به توانمندی آن در بخش‌های مختلف، این امیدواری به وجود آمده است که در آیندهٔ نزدیک زمینه ارایه خدمات صحی معیاری و مدرن برای باشنده‌گان کشور فراهم گردیده، تقاضاها به‌خاطر رفتن به خارج از کشور به منظور تداوی کاهش یابد.»

سنگ تهداب شفاخانه جمهوریت به کمک مالی چین در سال ۱۳۸۵ شمسی گذاشته شد و کار اعمار آن در سال ۱۳۸۸ پایان یافت؛ اما به دلیل نبود پرسونل تخصصی این شفاخانه نتوانست که تا حالا به فعالیت خود آغاز کند.

مسوولان شفاخانه جمهوریت می‌گویند که این شفاخانه دارای یک صد و پنجاه و چهار بستر است و در شش بخش به شمول داخله عمومی، جراحی، گوش و گلو، امراض خون، یرولوژی و همودیالیز فعالیت می کند.

کار اعمار این شفاخانه حدود ۲۱ میلیون دالر هزینه برداشته و نیز به ارزش ۵ میلیون دالر وسایل تخنیکی عصری برای آن خریداری شده که تمام این مصارف از سوی چین پرداخت گردیده است.

از سوی دیگر، داکتر ثریا دلیل وزیر صحت عامه افغانستان در مورد فعالیت شفاخانهٔ جمهوریت توضیحات داد:

« در مجموع یک صد و پنجاه و چهار بستر در این شفاخانه فعال است که شامل سی و چهار بستر در سرویس داخله عمومی، چهل بستر در جراحی عمومی و هر یک بیست بستر در سرویس‌های گوش و گلو، امراض خون، یرولوژی و همودیا لیز می باشد، برای اولین بار در سطح کشور این شفاخانه خدمات هیمودیالیز را برای مریضان ارایه می کند، فعلاً بیست و یک پایه ماشین همودیالیز در این شفاخانه فعال است.»

همودیالیز یکی از بخش‌ها در این شفاخانه است که در آن به مشکلات خونی و گرده‌ها رسیده‌گی می‌شود.

بر اساس معلومات مسوولان شفاخانه جمهوریت، هم اکنون به شمول حدود ۹۰ داکتر بیش از ۳۸۰ پرسونل در این شفاخانه روزانه مصروف عرضهٔ خدمات صحی برای نزدیک به ٤۰۰ مریض اند.

در عین حال سفیر چین در کابل نیز ابراز امیدواری می‌کند که با آغاز فعالیت شفاخانه جمهوریت جلو فرار پول به خاطر تداوی مریضان از افغانستان به کشورهای خارجی گرفته شود.

دینگ شین تعهد سپرد که در آینده نیز این شفاخانه را در بخش‌های ارتقای ظرفیت کارمندان و فراهم آوری امکانات تخنیکی کمک خواهند کرد.

این شفاخانه در حالی با امکانات تخنیکی مدرن به فعالیت آغاز کرده که مردم همواره از نبود خدمات کافی صحی در شفاخانه‌های دولتی شکایت داشته اند.

با آن که هم اکنون تنها در شهرکابل هفده شفاخانهٔ دولتی فعالیت دارند، اما

روزانه ده‌ها تن از شهروندان کشور به دلیل نبود امکانات در این شفاخانه‌ها، مریضان خود را جهت تداوی به خارج از کشور می برند.

تا هنوز روشن نیست که آیا فعالیت این شفاخانه در کاهش مسافرت های مردم به خارج از کشور جهت تداوی مریضان شان موثر واقع خواهد شد یا نه؟

کنفرانس اجندای ملی
Conference of National Agenda
CNA

در کابل بر گزار می گردد!

کنفرانس اجندای ملی به مثابهٔ خانهٔ دیالوگ بین‌الافغانی، در این مرحلهٔ حساسِ تاریخی به منظور گذار مسالمت‌آمیزِ سیاسی در کشور از طریق گفتمان ملی ـ مدنی و ایجاد تفاهم و همگرایی میان نخبه‌گان سیاسی ـ مدنی، شخصیت‌های ملی، منور، خبره، بزرگان دینی، فعالین تأثیرگذارِ سیاسی ـ اجتماعی و فرهنگیِ سراسر کشور با اشتراک شماری از نامزدان محترم ریاست جمهوری، نشست یک‌روزه را در اوایلِ برج دلو در شهر کابل برگزار می کند.

د ملي اجنډا کنفرانس
په کابل کې جوړېږي

د ملي اجنډا کنفرانس د بین الافغاني ډیالوګ د کور په توګه، په دې حساس او تاریخي پړاو کې د ملی ـ مدنی خبرو اترو، د سیاسي ـ مدني نخبګانو، ملی، منور او خبره شخصیتونو، دیني مشرانو، په ټول هېواد کې د اغېزمنو سیاسي ـ ټولنیزو ـ فرهنګي فعالانو ترمنځ د تفاهم او همغږی د رامنځته کېدو له لارې په هېواد کې د سوله ییز سیاسي واک لېږد لپاره، د ولسمشری د یوشمېر محترمو نوماندو په ګډون د سلواغې په لومړیو کې په کابل کې یوه ورځنی ناسته جوړه کړي.

د لا زیاتو معلوماتو لپاره په لاندې شمېرو اړیکه ونیسئ

برای معلومات بیشتر با این شماره ها تماس بگیرید:

ـ مهندس شکور فقیر:	۰۷۹۹٤۲٤۹٥۳
ـ حشمت حیران:	۰۷۰۰۲۷۷۷۸۱
ـ بسم الله بهادری:	۰۷۸٦۲۰۱۲۰۱
– بریالی افغان:	۰۷۰٤۹۹٤٤٦۸
–سمیع دره‌یی:	۰۷۹۹۳۱٤۹۳۱
ـ حسین رحمتی:	۰۷۷۲۱۰۱٦۹۰
ـ سعید جامی:	۰۷۹۷٦۰٥٦۰٥
– سید معراج الدین علوی:	۰۷۷۹٥۱۰۹٥۷
ـ نظری پریانی:	۰۷۰۰۲٦۳۱٥۲

وب سایت: www.mandegardaily.com

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دفـاتر
سه ماهه – ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه – ۲۵۰۰ افغانی
نه مـاهه – ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله – ۵۰۰۰ افغانی

نارسیده به منزل یا دفاتر
سه ماهه – ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه – ۲۰۰۰ افغانی
نه مـاهه – ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله – ٤۰۰۰ افغانی

روزنامهٔ ماندگار
Mandegar Daily newspaper

دفاتر خارجی
سه ماهه – ۱۰۰ دالر
شش ماهه – ۲۰۰ دالر
نه ماهـه – ۳۰۰ دالر
یک ساله – ٤۰۰ دالر

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه
سه ماهه – ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه – ۲۰۰۰ افغانی
نه مـاهه – ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله – ٤۰۰۰ افغانی

حساب بانکي روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۸٤۳۰۱٦٤۰ – ۰۷۷٦۹۳۰٥٦٥